

فصلنامه پیشرو

به توسعه ایران می اندیشد

آموزش برای دانایی

معرفی چهار تن از فعالین عرصه آموزش؛
استاد احسان یارشاطر، دکتر آریین اکبری،
سیاوش صفاریان پور و دکتر محمد فاضلی

راه توسعه ایران از آموزش می گذرد؟

درباره اهمیت و اثرگذاری آموزش در دستیابی به توسعه
در گفتگو با دکتر عباس نعیمی جورشری جامعه شناس

روش های نوین آموزشی؛ راهی به سوی توسعه؟

بررسی تاثیر روش های نوین آموزشی بر دستیابی به توسعه در جامعه ایران
در گفتگو با دکتر مقصود فراستخواه استاد دانشگاه

آموزش، ژاپن را ژاپن کرد؟

نگاهی به نقش آموزش در توسعه کشور ژاپن

توسعه آموختنی است؟

معرفی کتاب توسعه و آموزش
اثر دکتر نادر هوشمندیار
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران غرب



غیر قابل فروش

پیشرو رایگان است و رایگان خواهد ماند



به توسعه ایران می اندیشد



مدیرمسئول و سردبیر: سپهر ساغری

هیئت تحریریه: یلدا دنیائی مبرز، ماهرخ صادقی، معصومه اشتیاقی

اشکان انصاری، مهناز کرمی، حمیرا حاجی محمدکاظمی،

فاطمه محمدزاده و علی صدوقی

صفحه آرا: سپهر ساغری

بازخوانی: یلدا دنیائی مبرز

با تشکر از: پروین رستمی، دکتر عباس رنجبر صفدری،

خانم دکتر فرزانه میرشاه ولایتی و دکتر زهرا محمدهاشمی

منبع تصویر جلد:

این نسل همزاد اینترنت است / گفت و گو با مقصود فراستخواه، جامعه شناس
و عضو هیئت علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

www.karangweekly.ir



www.pishromagazine.com

حامیان فصلنامه پیشرو

Sponsors of PISHRO Quarterly



کلیک کنید ▶

آرمو

پل ارتباطی میان دنیای دیجیتال و واقعی
برای خرید هوشمندانه‌تر



استارت‌آپ استودیو هوش مصنوعی
پاسخ‌های نوآورانه به نیازهای جهانی



گروه جامعه‌شناسی حقوق
کانال رسمی گروه جامعه‌شناسی حقوق
انجمن جامعه‌شناسی ایران



شریف جابز
سامانه اشتراک‌گذاری موقعیت‌های آکادمیک شغلی، کارآموزی،
کسری خدمت، امریه، پژوهشی و استارت‌آپی



مجمع تشکل‌های دانش‌بنیان ایران
وابسته به اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

فهرست

- ۴ **بخش اول: کار آفرینی و توسعه**
-
- ۵ سخن آغازین
آموزش؛ راه نجات کشور؟ (سپهر ساغری)
نگاهی به نگرش ما ایرانیان نسبت به امر آموزش
-
- ۹ مقاله
نقش آموزش در توسعه اقتصادی (یلدا دنیائی مبرز)
نگاهی به تاثیر آموزش بر دستیابی به توسعه
-
- ۱۴ گفتگو
راه توسعه ایران از آموزش می گذرد؟ (سپهر ساغری)
درباره اهمیت و اثرگذاری آموزش در دستیابی به توسعه
در گفتگو با دکتر عباس نعیمی جورشری جامعه شناس
-
- ۲۰ مقاله
آموزش، ژاپن را ژاپن کرد؟ (فاطمه محمدزاده)
نگاهی به نقش آموزش در توسعه کشور ژاپن
-
- ۲۵ پیشنهاد کتاب
توسعه آموختنی است؟ (اشکان انصاری)
معرفی کتاب توسعه و آموزش اثر دکتر نادر هوشمندیار
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب
-
- ۲۹ مقاله
آموزش؛ ابزار تغییر؟ (مهناز کرمی)
نگاهی به نقش آموزش در تغییرات اجتماعی
-
- ۳۵ معرفی استارتاپ
بهخوان؛ شبکه اجتماعی کتاب دوستان
بهخوان فضایی برای کتابخوان هاست تا همدیگر را پیدا کنند و درباره کتابها حرف بزنند.



بخش دوم: کارآفرینی در ایران

۳۶

۳۷

مقاله

نظام آموزشی ایران توسعه گرا است؟ (حمیرا حاجی محمد کاظمی)
نگاهی اجمالی به ارتباط بین نظام آموزشی و توسعه در ایران

۴۳

گفتگو

روش های نوین آموزشی؛ راهی به سوی توسعه؟ (معصومه اشتیاقی)
بررسی تاثیر روش های نوین آموزشی بر دستیابی به توسعه در جامعه ایران
در گفتگو با دکتر مقصود فراستخواه استاد دانشگاه

۵۰

مقاله

آموزش برای دانایی (ماهرخ صادقی)
معرفی چهار تن از فعالین عرصه آموزش؛
استاد احسان یارشاطر، دکتر آریین اکبری، سیاوش صفاریان پور و دکتر محمد فاضلی

۶۲

زنگ طنز

بانگ هشدار (علی صدوقی)
روزنه‌ای در چهار دیواری سنگی

۶۶

سخن پایانی

آموزش کلیدی است برای ...
جرج واشنگتن کارور
دانشمند و مخترع آمریکایی

معرفی نهاد مدنی

مدرسه لیبرتاس

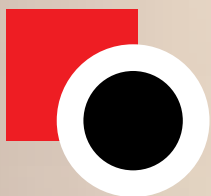
مدرسه اقتصاد و سیاست لیبرتاس

۶۸

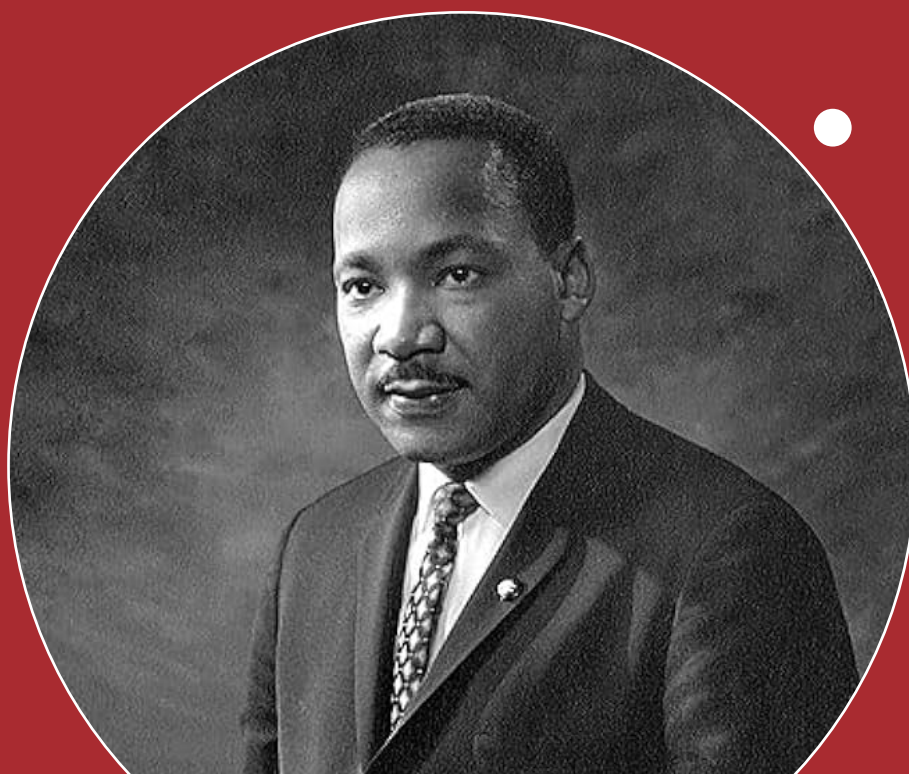
آگهی

۶۹

دعوت به همکاری



بخش اول
کارآفرینی و توسعه



کارکرد آموزش این است که به فرد بیاموزد
مختصر و انتقادی فکر کند.

مارتین لوتر کینگ
از رهبران جنبش سیاهپوستان در آمریکا

منبع تصویر: www.amazon.com Portrait of Dr. Martin Luther King



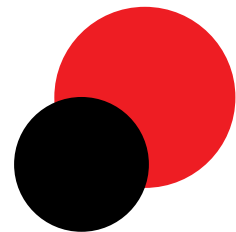
آموزش؛ راه نجات کشور؟

نگاهی به نگرش ما ایرانیان نسبت به امر آموزش

نویسنده: سپهر ساغری

سر دبیر

چه در رفتارمان با اعضای خانواده و چه در صحنه اجتماعی با دیگر شهروندان، نواقص و کاستی‌هایی می‌بینیم که معمولاً با یک ترجیح بند خلاصه‌اش می‌کنیم: «آموزش درستی نداریم!» با این حال چند سوال اساسی در ذهن شکل می‌گیرد؛ نخست آنکه آموزش درست چیست؟ به بیانی دیگر وقتی خود به نقص آموزشی اذعان داریم در حقیقت پذیرفته‌ایم محتوای آموزشی یا شکل آموزش مان و چه بسا هر دو، ایراد دارند. اما آیا نسبت به این مهم اجماع داریم؟ آیا همه ما ایرانیان به نظام ارزشی یکسانی باور داریم که بخواهیم همان‌ها را در مهدها، مدارس، دانشگاه‌ها، سینما و ... تدریس کرده یا تبلیغ کنیم؟ شاید ذکر یک نمونه عینی به فهم مسئله کمک کند؛ در کلام می‌گوییم دختر و پسر فرقی ندارد مهم سالم بودنشان است اما در عمل از نوع پوشش و خندیدن تا رفت و آمد و کار دختران محل تفاوت است! یک ایرانی عرف‌گرا احتمالاً این عقیده را متناقض می‌بیند و منتقد آن است اما یک ایرانی سنت‌گرا نه فقط تناقضی نمی‌بیند بلکه تقسیم تکالیف زن و مرد را کاملاً منطقی و منطبق بر عقلانیت می‌داند. حال سوال محوری آن است که کدام باور در مدارس تدریس شود؟ دانشگاه‌ها متکی بر کدام عقیده دانشجو بپذیرند؟ سینما و تئاتر ما موقعیت زنان و مردان را چگونه به تصویر بکشند؟



به همین منوال عبارتی چون «در خانه اگر کس است یک حرف بس است» ضرب المثل شده است. آشکار است که ضرب المثل‌ها نمایی از باور و تلقی عمومی هستند که در طول سالیان شکل گرفته و عمومیت یافته‌اند. با این توضیح آیا در نظام ارزشی مدرن جایی برای تک‌گویی نظم پدرسالار وجود دارد؟ در مقابل آیا سنت‌گرایان می‌پذیرند که بدون سطحی از همفکری و مشارکت، عملاً یک خانه را هم نمی‌توان اداره کرد چه رسد به نهادهای بزرگتر چون دانشگاه، شرکت، دولت و...؟! با این توضیح، مجدد به این سوال کلیدی بازمی‌گردیم که وقتی اجماعی بین ما ایرانیان نیست، چگونه می‌توان یک نظام آموزشی با محتوایی مشخص و مورد توافق آحاد ملت تاسیس کرد؟ به تعبیری در کلیت اکثریت ما ایرانیان می‌گوییم آموزش ضرورت دارد اما وقتی وارد محتوای همان آموزش می‌شویم مشاهده می‌کنیم که کمتر نقطه‌وصلی بین ما وجود دارد. بخشی از ما ایرانیان ارزش‌های دینی را و بخشی دیگرمان ارزش‌های مدرن و عموماً غربی را ضروری می‌دانیم.^۱

اگر اجماع نیست پس چه باید کرد؟

پیش از این از اختلاف و چنددستگی میان ما ایرانیان گفتیم با این حال چون اجماعی نیست، بایست کنار بنشینیم؟ زانوی غم بغل کرده و گرد یاس بپاشیم؟ به نظر می‌رسد گرچه سخت و دشوار اما شدنی است از معبری چون کارآفرینی، بسیاری از خला‌های آموزشی را فراتر از تعلق خاطر‌ها، نظام ارزش‌ها و مانند این بسط داد و عامل تغییر در وجه مثبت شد. شاهد مثال

۱- طبعاً در این بین طیفی از نظرات و نحله‌های فکری وجود دارد اما مسئله اصلی پابرجاست؛ بین ما ایرانیان اجماعی وجود ندارد

آنکه هادی و علی پرتوی کارآفرینان ایرانی تبار آمریکایی، شرکت «کد» را در سال ۲۰۱۳ و با هدف آموزش رایگان کدنویسی در سراسر جهان راه اندازی کردند. پس از اعتراضات سال ۱۴۰۱ زبان فارسی نیز به کد افزوده شد^۲ تا فارسی‌زبانان سراسر جهان به صورت رایگان بتوانند برنامه‌نویسی را بیاموزند. آنچه این شرکت در صفحه فارسی خود در اینستاگرام درج می‌کند نشان می‌دهد هموطنانی از سراسر ایران مشغول یادگیری برنامه‌نویسی هستند. مسیری که قطعاً می‌تواند به تغییرات اساسی، مثبت و بی‌بازگشت در آینده ایران منجر شود. نمونه قابل ذکر دیگر مکتبخونه است.^۳ این شرکت موفق نیز کارش را با فیلمبرداری از کلاس‌های درس دانشگاه‌های ممتاز کشور آغاز کرد و سپس فعالیتش را به ترتیبی گسترش داد که مستقلاً متولی برگزاری دوره‌های متنوع آموزشی شده است. ناگفته پیداست جدا از دوره‌های ریالی مکتبخونه، تهیه فیلم از کلاس‌های درس استادان ممتاز و درج رایگان آن‌ها در مکتبخونه، دسترسی قابل ملاحظه‌ای برای عموم ایرانیان در سراسر جهان فراهم آورده است. متمم^۴ فعالیت درخورد توجه دیگری است که با سرپرستی محمدرضا شعبانعلی به آموزش مفاهیم حوزه کسب و کار می‌پردازد. متمم دسترسی به بخشی از مطالبش را رایگان کرده است اما متناسب با مدت زمان دسترسی، هزینه‌ای دریافت می‌کند که بیشترین آن دسترسی سالیانه با مبلغ یک میلیون و دویست هزار تومان دست کم تا پاییز ۱۴۰۳ است. بی‌نیاز از توضیح اضافی است که

۲- جهت کسب اطلاعات بیشتر بنگرید به: www.code.org

۳- جهت کسب اطلاعات بیشتر بنگرید به: www.maktabkhooneh.org

۴- جهت کسب اطلاعات بیشتر بنگرید به: www.motamem.org



تامین هزینه دسترسی یک سال نیز برای بسیاری از هموطنان مقدور است. فرادرس پلتفرم آموزشی دیگری است که جدا از ارائه هزاران ساعت محتوای آموزشی رایگان، دوره های ریالی خود را نیز به مناسبت های مختلف با تخفیف های قابل توجه عرضه می کند.^۵ البته فهرست کردن نهادهای آموزشی که به اشکال مختلف و در حوزه های گوناگون از حوزه علوم پزشکی تا علوم اجتماعی مشغول به فعالیت هستند از حوصله این مجال خارج است با این حال توجه به این مهم از آن جهت اهمیت دارد که برغم همه اختلاف نظرها و به جرئت عدم تحمل ها، فعالیت های مثبتی در داخل و خارج صورت گرفته است که می تواند دریچه ای به آینده ای بهتر باشند. بی آنکه بخواهیم از وجودشان سرمست شویم یا به کنج عزلت بگریزیم. فقط با این نیت که می توان و چه بسا باید عامل تغییر بود. اگر و فقط اگر نسبت به ساختن آینده ای بهتر دغدغه داشته باشیم.

۵- جهت کسب اطلاعات بیشتر بنگرید به: www.faradars.org



منبع تصویر: سایه مدارس کپری بر سر دانش آموزان / شهر کرمان کمبود مدرسه دارد www.mehrnews.com



منبع تصویر: دانش آموزان ژاپنی www.scmp.com

چرا کیفیت آموزش مهم است؟

امروزه نادیده گرفتن این واقعیت بزرگ که آموزش از اهمیت بالایی برخوردار است، بسیار دشوار است. همه دولت ها نقش بسزایی در آموزش شهروندان خود ایفا می کنند و «تامین آموزش برای همه» یکی از اهداف اصلی توسعه کشورها است. دلایل زیادی وجود دارد که چرا جوامع به شدت از آموزش حمایت می کنند. برخی از آن ها صرفاً ماهیت اقتصادی دارند. رقابت تجاری کشورها، بدون وجود شهروندان تحصیلکرده ناممکن است. برخی دیگر با جذب مردم برای مشارکت در زندگی سیاسی، به بهبود عدالت اجتماعی و به طور کلی تر، به توسعه جامعه مرتبط هستند.

بریده ای از متن نقش آموزش در توسعه اقتصادی



نقش آموزش در توسعه اقتصادی

نگاهی به تاثیر آموزش بر دستیابی به توسعه

مترجم: یلدا دنیائی مبرز

پژوهشگر

چرا برخی از کشورها نسبت به سایر همتایان خود با سرعت بیشتری به توسعه دست می یابند و در این زمینه به مراتب موفق تر هستند؟ چگونه سیستم آموزشی می تواند بر این رشد تأثیرگذار باشد؟ سؤالاتی از این دست همواره مطرح بوده اند، اما در شرایط بحران های مداوم اهمیت بیشتری می یابند. آموزش زیربنای سرمایه انسانی است. آخرین تحقیقات بانک جهانی حاکی از آن است که ۵۶ درصد از کودکان جهان، بیش از نیمی از نیروی کار را تشکیل می دهند که اگر این کودکان در راستای دستیابی به تحصیلات کامل، سوق داده شوند، از میزان بالاتر سلامت نیز برخوردار خواهند بود. از طرفی آموزش خوب و سازماندهی شده هم برای مردم و هم برای جامعه مفید است. آموزش باعث بهبود عزت نفس شهروندان و ارتقای فرصت های شغلی و درآمدی می شود و به کشور کمک می کند تا نهادهای اجتماعی خود را تقویت کند، نرخ رشد اقتصادی بلندمدت را تضمین کند، فقر را کاهش دهد و منجر به شکوفایی نوآوری شود.^۱

۱ - www.studybay.com The Role of Education in Economic Development

وابستگی متقابل آموزش و رشد اقتصادی

ما تأثیر مثبت کلی آموزش بر اقتصاد را در سه عامل تعیین کننده خلاصه کرده ایم

۱- آموزش میزان سرمایه انسانی و به تبع آن میزان بهره‌وری نیروی کار را افزایش می‌دهد

۲- آموزش می‌تواند پتانسیل نوآوری یک اقتصاد را افزایش دهد و دانش جدید مربوط به حوزه‌های فناوری و محصولات، منجر به رشد می‌گردد

۳- آموزش می‌تواند به گسترش و انتقال دانش لازم برای درک و پردازش اطلاعات جدید کمک کند. داشتن مدرک دانشگاهی همچنین بر بکارگیری موفقیت آمیز فناوری‌های جدید توسعه یافته بوسیله دیگران تأثیر می‌گذارد و به دنبال آن رشد اقتصادی را تسریع می‌نماید در اواخر دهه ۱۹۹۰ Blackman, Baumol و Wolf تأثیر آموزش بر بهره‌وری را مطالعه کردند. بر اساس تحقیقات آن‌ها، میزان ثبت نام در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و آموزش عالی تأثیر بسیار مثبتی بر رشد بازار کار مولد داشته است. آموزش همچنین نیروی کار را به سمت حرفه‌ای بودن سوق می‌دهد. این اتفاق چگونه می‌افتد؟ این طرح بسیار ساده است

* یک فرد تحصیل کرده تر به مراتب، بیشتر پذیرای اطلاعات جدید است

* یک نیروی کار خوب به صورت کارآمدتری از تولیدات ناشناخته پیشین استفاده می‌نماید

* چنین فردی فرآیندهای جدید را سریعتر می‌آموزد.

چند داده آماری

اعداد بهتر از کلمات سخن می‌گویند. به همین دلیل آمارهای جالبی را برای شما گردآوری کرده ایم که پس از آن می‌توانید تأثیر آموزش بر اقتصاد کشورها را ارزیابی کنید

۱- در کشورهایی مثل آمریکا و کره جنوبی تقاضا برای دستیابی به تحصیلات، در حال رشد فزاینده است. این امر باعث افزایش میزان بودجه خصوصی برای سیستم آموزشی می‌شود. در چنین کشورهایی، سهم هزینه‌های آموزش بیش از ۲ درصد تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص می‌دهد

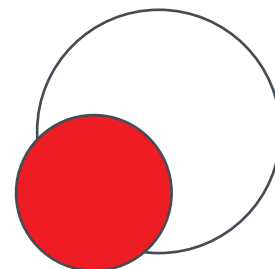
۲- در ایالات متحده، دانش، آموزش، تولید و نرم افزار ۴۵ درصد از کل کالاها و خدمات تولید شده در این کشور را تشکیل می‌دهند. این مهم نشان دهنده سطح بالاتر توسعه اقتصادی در کشورهایی چون ایالات متحده است

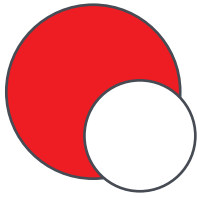
۳- آیا می‌خواهید دستمزد بیشتری دریافت کنید؟ پس سعی کنید بهتر یاد بگیرید! از این گذشته، جمعیت بزرگسال دارای تحصیلات تکمیلی در کشورهای OECD^۲ ۲۰ درصد بیشتر از جمعیت دارای تحصیلات متوسطه درآمد دارند. در عوض، جمعیت دارای تحصیلات ابتدایی ۱۰ درصد کمتر درآمد دارند

۴- آمار تامین مالی موسسات آموزشی، جالب و درخور توجه است. در کشورهای توسعه یافته به لحاظ اقتصادی، دولت تقریباً همواره هزینه‌های آموزش را پوشش می‌دهد. اما در مورد آموزش عالی استثناهایی وجود دارد. به عنوان مثال در ایالات متحده، ژاپن و استرالیا، ایالت‌ها تنها نیمی از هزینه شهریه را پرداخت می‌کنند و بخش خصوصی مابقی بودجه را در قالب کمک‌های

2-Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

سازمان توسعه و همکاری اقتصادی





را کسب نمایند. همه کودکان و جوانان باید مهارت های لازم برای تبدیل شدن به شهروند و نیروی کار مولد، موفق و فعال را بیاموزند. برای انجام این کار، معلمان باید در همه سطوح در بهبود یادگیری فراگیران مؤثرتر عمل کنند. سیاستگذاران نیز باید فناوری های آموزشی، کیفیت مدیریت مدارس و سیستم ها را بهبود بخشند. تنها در این صورت است که دانش آموزان در هر سنی - از پیش دبستانی گرفته تا بزرگسالان - می توانند موفق تر عمل کنند

چگونه آموزش بر توسعه اجتماعی تأثیر می گذارد؟

هر چه سطح تحصیلات در یک کشور بالاتر باشد، اقتصاد آن بهتر توسعه می یابد، نرخ بیکاری کمتر و امید به زندگی نیز بالاتر خواهد بود. این مهم اکنون یک اصل بدیهی است. همچنین تأثیر مثبت آموزش در سایر حوزه های جامعه، به عنوان مثال بر کیفیت مدیریت دولتی، آشکار می گردد. ما سه نکته اصلی را در اینجا برجسته کرده ایم

۱- سیستم آموزشی نگرش افراد نسبت به قانون را به عنوان یک ارزش کلیدی پرورش می دهد

مدرسه باید مفهوم حاکمیت قانون را از دوران کودکی به کودکان القا نماید تا در آنان درونی و نهادینه شود. سیاست یکپارچگی تحصیلی امری است که باید برای فراگیران در اولویت باشد. مربیان دبیرستان ها و دانشگاه ها باید با هرگونه تقلب و سرقت علمی به شدت برخورد کنند. این مهم سبب می شود تا جوانان هنجارها و قوانین را به عنوان یک استاندارد رفتاری ضروری و اجتناب ناپذیر درک نمایند

مالی و کمک هزینه تحصیلی تأمین می کنند

۵- یک عامل جالب وجود دارد که باعث افزایش تولید ناخالص داخلی دولت می شود و آن، مدت زمان تحصیل است. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی دریافته است که اگر هر دانشجو یک سال بیشتر درس بخواند، به رشد تولید ناخالص داخلی سرانه ۳ تا ۶ درصد کمک می نماید

چرا کیفیت آموزش مهم است؟

امروزه نادیده گرفتن این واقعیت بزرگ که آموزش از اهمیت بالایی برخوردار است، بسیار دشوار است. همه دولت ها نقش بسزایی در آموزش شهروندان خود ایفا می کنند و «تامین آموزش برای همه» یکی از اهداف اصلی توسعه کشورها است. دلایل زیادی وجود دارد که چرا جوامع به شدت از آموزش حمایت می کنند. برخی از آن ها صرفاً ماهیت اقتصادی دارند. رقابت تجاری کشورها، بدون وجود شهروندان تحصیلکرده ناممکن است. برخی دیگر با جذب مردم برای مشارکت در زندگی سیاسی، به بهبود عدالت اجتماعی و به طور کلی تر، به توسعه جامعه مرتبط هستند. تحقیقات کلاسیک در این باره حاکی از آن است که رابطه مستقیمی بین تعداد سال های تحصیل و مزایای اقتصادی وجود دارد. مطالعات نشان می دهند که طول مدت تحصیل بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت دارد. آموزش همچنین هم به عنوان سرمایه گذاری در سرمایه انسانی و هم به عنوان عاملی در تحقیق و توسعه و گسترش فناوری نقش دارد. امروزه دنیای کار خواسته های به مراتب سخت گیرانه تری را مطرح می کند. در چنین شرایطی، جوانان باید تمام مهارت های لازم

۲- توانایی برقراری ارتباط موثر و مذاکره
رشد اقتصادی دولت به هوش اجتماعی، یعنی توانایی مردم برای برقراری ارتباط موفق و مؤثر بستگی دارد. در این راستا، دولت باید نظام آموزشی و کار آموزشی را به سمت پیشرفت دانش آموزان در مهارت های ارتباطی، کار گروهی و تیم سازی سوق دهد

۳- داشتن چشم انداز برنامه ریزی شده بلند مدت

این مهارت برای ایجاد و حفظ تاب آوری سازمان ها و نهادها ضروری است. برای توسعه چنین مهارتی، بهترین سیستم های آموزشی، قوانین دقیقی را برای فراگیران ارائه می نمایند. با حرکت در سطوح مختلف آموزشی، پیچیدگی کارها و مدت زمان تکمیل آن ها افزایش می یابد. از این رو فراگیران باید برای دوره کاری خود برنامه ریزی کنند که این مهم به آن ها این امکان را می دهد تا وظایف خود را به موقع و با کیفیت انجام دهند. همچنین نظام آموزشی باید الگوهای رفتاری و تعاملی مناسبی را به عنوان مبنایی برای شکل گیری نهادهای اجتماعی درخور توجه و شایسته ایجاد نماید

آموزش به مثابه یک سرمایه گذاری
سرمایه گذاری در حوزه آموزش و پرورش به دلیل اثرات مثبت آن، بسیار مقبول است و کشورهاییکه به این مساله اهمیت می دهند از نظر تولید ناخالص داخلی، پیشتاز هستند. به عبارت دیگر، سرمایه گذاری در حوزه آموزش هم برای کشور و هم برای فرد نتیجه بخش است. بر اساس نظریه «سرمایه انسانی»، دانش،

مهارت، شایستگی و سایر توانایی های انسانی، سرمایه به شمار می آیند. از این رو تامین هزینه تحصیل و آموزش نیروی کار در راستای این سرمایه گذاری است. به بیان ساده - فقط نیروی کار حاذق و ماهر می تواند با تجهیزات پیچیده تر کار کند. طرفداران این نظریه می پندارند که کار یک نیروی تحصیلکرده به مراتب مولدتر است. به باور اقتصاددانان برجسته، تقریباً یک سوم رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهای توسعه یافته اکنون از طریق سرمایه گذاری در آموزش تامین می شود. برای بازگشت سرمایه در آموزش، صبر و پشتکار لازم است. در حقیقت تنها نسل آینده از مزایای وجود معلمان با مهارت، استفاده موثر از فناوری، مدیریت بهتر سیستم های آموزشی و وجود فراگیران با انگیزه و آماده، به طور کامل آگاه خواهد بود. در کشورهاییکه توسعه و رفاه در آن ها شتاب گرفته است، نسبت به این مهم گرایش جدی وجود دارد و در راستای سرمایه گذاری در حوزه آموزش، بودجه مناسب تخصیص داده می شود

سرمایه گذاری در حوزه آموزش و پرورش به دلیل اثرات مثبت آن، بسیار مقبول است و کشورهاییکه به این مساله اهمیت می دهند از نظر تولید ناخالص داخلی، پیشتاز هستند. به عبارت دیگر، سرمایه گذاری در حوزه آموزش هم برای کشور و هم برای فرد نتیجه بخش است



نخبگان دانشگاهی و بدنه اجتماعی دو جهان از هم گسیخته نیستند اگرچه این فاصله در بخشی از آن‌ها وجود دارد. در واقع نخبگان دانشگاهی یک عبارت غیر دقیق اما مستعمل است. به نظرم بخشی از بدنه دانشگاهی ما در نه تنها در گسست از جامعه قرار دارند بلکه در گسست از دانش و خرد به سر می‌برند. من از این استادان با عنوان کارمندان دانشگاه یاد می‌کنم. بالینحال بخشی از نخبگان دانشگاهی با سوژه اجتماعی زیست می‌کنند. با آن‌هم درد و همراه هستند. حتی از دانشگاه طرد شده و عمل علمی خود را در عرصه عمومی جستجو می‌کنند. بنابراین دانش‌آموختگان دانشگاه مدرن بر جامعه اثر مستقیم می‌نهند آن‌ها با قلم و سخن خود بر عامه اثر می‌گذارند. بالینحال نهاد مدرسه بخش متفاوتی است که مخاطبانش تا حد زیادی عامه جامعه است. بدین معنا که شمول بیشتری دارد. بایستی در بحث این دو سازمان را از هم تفکیک نمود. آموزش مدرن در سازمان مدرسه، عموم جامعه را مخاطب قرار می‌دهد. خاصه اینکه باید دانست از حیث علم حقوق، حق آموزش جزو حقوق طبیعی و بنیادین بشر است.

بریده‌ای از گفتگو با دکتر عباس نعیمی جورشری



راه توسعه ایران از آموزش می گذرد؟

درباره اهمیت و اثرگذاری آموزش در دستیابی به توسعه
در گفتگو با دکتر عباس نعیمی جورشری جامعه شناس

مصاحبه: سپهر ساغری

پژوهشگر

وقتی پای توسعه نیافتگی ایران به وسط می آید عوامل مختلفی مورد توجه قرار می گیرد. شاید شاخص ترین آن ها دخالت بیگانگان باشد. گرچه فرهنگ عمومی نیز بسیار مورد نقد قرار گرفته است اما کمتر شاهد بودیم تا در باب چگونگی گذار از وضع کنونی، صحبتی به میان آید. به عنوان نمونه بسیاری از ما ایرانیان معتقدیم مادامی که نظام آموزش و پرورش اصلاح نشود، تغییر محسوسی حاصل نخواهد شد. با این حال کمتر از خود می پرسیم این نظم نوین بر پایه کدام نظام ارزشی مشترکی می بایست شکل بگیرد؟ در سطحی کوچکتر آیا خودمان تمایلی به ساخت نهاد آموزشی داریم؟ آیا ما ایرانیان به دسترسی رایگان به اطلاعات، روی خوش نشان می دهیم؟ برای پاسخ به این دست پرسش ها خدمت دکتر عباس نعیمی جورشری جامعه شناس رسیدیم تا نظرات ایشان را جویا شویم.



جناب دکتر نعیمی جورشوری در باب توسعه نیافتگی کشورمان از عوامل زیست محیطی تا دین و دخالت بیگانگان بسیار مورد اشاره محققین مختلف قرار گرفته است. با این حال می‌خواهم پرسش‌ها را با این خانواده‌های ما نسبتی با توسعه دارد؟

پرسش از نسبت توسعه با آموزش پرششی نسبتاً تنومند است از این جهت که جوهری چندگانه را شامل می‌شود و در عین حال مولفه‌هایی چند را بیان می‌دارد. برای توسعه تعاریفی چند بیان شده که از آن بین تعریف زیر به نظرم قابل توافق است: «یعنی افزایش ظرفیت‌های یک نظام اجتماعی در جهت برآوردن هرچه مطلوب‌تر نیازمندی‌هایش.» بر این اساس با الگوی پارسونزی به چهار توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی رهنمون خواهیم شد. این افزایش ظرفیت در چهار خرده نظام مذکور ناشی از کنش‌گری هدفمند و مستمر در سه سطح کلان، متوسط و خرد است. امکان این کنش‌گری در اساس بوسیله نهاد آموزش ایجاد می‌شود. این مکانیزم اصلی در بین انواع مکانیزم‌های پیوند دهنده آموزش و توسعه است

همه ما کم و بیش از ضرورت آموزش مطلعیم و بر توسعه آن پافشار می‌کنیم. اما آیا بین ما ایرانیان نظام ارزشی یکسانی وجود دارد که بتوان مبتنی بر آن نظامی آموزش مدرن و مشخصی تاسیس کرد؟

نظام ارزشی در یک جامعه تابعی است از تاریخ کندی آن. جامعه ایرانی نیز از این قاعده مستثنا نیست. اما آنچه تاریخ مندی ایرانی می‌نامم، حداقل از سه آبشخور اصلی تغذیه می‌شود؛ یعنی نظام ارزشی باستان بنیان، نظام ارزشی اسلام بنیان و نظام ارزشی مدرن که از غرب

آمده است. داخل پرانتز باید تذکر داد که این‌ها نظام‌های ارزشی کلان هستند یعنی روایت‌های پهن دامنه می‌سازند اما در ذیل آن‌ها نظام‌های کوچکتری نیز قرار دارد که در فهم قومیتی یا فهم جنسیتی یا فهم زبانی و... قابل رصد خواهد بود. علی‌ایحال ایرانیان اکنون از آن سه آبشخور تغذیه می‌کنند که در هزاره اخیر نظام ارزشی اسلامی قدرتمندتر ظاهر شده است. با اینحال این اقتدار هزاره‌ای در مواجهه با مدرنیته به چالش کشیده شده است. آنچنان که در دهه اخیر و تحولات تکنولوژیک روز و شبکه‌های اجتماعی و مجموعاً آنچه تلاقی دولت - ملت می‌توان نام نهاد، دچار تزلزل جدی شد. بنابراین هنگامی که از نظام ارزشی ایرانیان در نسبت با توسعه سخن می‌رود، باید توجه داشت که این نظام نه امری یکپارچه بلکه سیال است که با فعالیت آبشخورهای مدرن در سال‌های اخیر می‌توان نشان داد. مدرنیته نیز بستری فعال برای امر توسعه است که از یک سو یا استقبال نسل‌های نو ایرانیان امکان خواهد یافت و در عین حال با امتناع گروه‌های ارزش‌گرای دیگر مواجه است. این بستری است که امکان تاسیس نظام آموزشی مدرن را توضیح می‌دهد. امکانی در سمت جامعه، زیرا آگاهییم که دولت نقشی مهم در این راستا ایفا نموده و می‌نماید

جناب دکتر بسیار می‌شنویم که در سایه وجود یک نظام آموزش و پرورش مدرن می‌توانیم شهروندانی مدرن و نهایتاً کشوری توسعه یافته داشته باشیم. آیا می‌توان بین آموزش مدرن و توسعه نسبتی یافت؟

آموزش مدرن دو وجه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دارد. در واقع هنجارهای مدرن نیز در جوار ابزارهای مدرن تعریف و حمل می‌گردد. نکته‌ای در اینجا



● منبع تصویر: اولین سلفی دانشجویان جدیدالورود دانشگاه تهران. www.akharinkhabar

گرچه می توان پذیرفت که بدون آموزش و ارتقای سطح آگاهی، طبعا تغییر مثبت غیرممکن است با این حال سوال اساسی آن است که مخاطب آموزش مدرن چه کسانی هستند؟ بدنه جامعه یا نخبگان دانشگاهی؟ نخبگان دانشگاهی و بدنه اجتماعی دو جهان از هم گسیخته نیستند اگرچه این فاصله در بخشی از آن ها وجود دارد. در واقع نخبگان دانشگاهی یک عبارت غیر دقیق اما مستعمل است. به نظرم بخشی از بدنه دانشگاهی ما در نه تنها در گسست از جامعه قرار دارند بلکه در گسست از دانش و خرد به سر می برند. من از این استادان با عنوان کارمندان دانشگاه یاد می کنم. باینحال بخشی از نخبگان دانشگاهی با سوزه اجتماعی زیست می کنند. با آن هم درد و همراه هستند. حتی از دانشگاه طرد شده و عمل علمی خود

وجود دارد که امر مدرن چیست و مدرنیته چه مختصاتی دارد؟ امر مدرن بر عقل نوبنیاد قرار دارد. اگرچه مظاهر متنوعی را در تولید و مصرف نشان می دهد اما روح مدرنیته عقلانیت خودبنیادش بود. ورود مدرنیته جبری به کشورهای پیرامونی نظیر ایران، دارای مسائلی است که قابل ساده سازی به آنچه مهندسی فرهنگی خوانده می شود، نیست. نمی توان به یک جامعه روح مدرنیته را تحمیل کرد آنچنان که می توان امکان مصرف را به روز رسانی نمود. نهاد آموزش مدرن ترویج دهنده باید امکان روح مدرنیته یعنی عقلانیت خاص خود را فراهم نماید. در غیر اینصورت نه تنها در تعارض با نظام های ارزشی پیشین قرار خواهد گرفت بلکه به نسخه ای سطحی و سخیف نیز فروکاسته خواهد شد. توسعه میوه امر مدرن است و رابطه مذکور در باب آن نیز صدق می کند.



است از بافت فرهنگی و اقتصادی ایران. ایران چنان یک پازل قومیتی است که خرده فرهنگ های متنوعی را بیان می دارد. پیمایش های ملی نشان می دهد که فرهنگ مناطق و استان ها بر اساس مذهب گرایی، فردگرایی، سکولاریسم و... تمایزات قابل توجهی دارد. این مولفه ها در تسهیل فرهنگی برای آموزش مدرن، یا ممانعت در مقابلش، مهم هستند. در عین حال ساختار حکمرانی در این امر راهبردی است. یعنی اهمیت نهاد آموزش در دولت های مختلف، تفاوت داشته و میزان بودجه تخصیص یافته، متفاوت است. ضمن اینکه میزان کلی بودجه سالانه که به بحث مدارس اختصاص دارد اندک و نامتناسب با اهمیت این نهاد است. این مقوله مهمترین عامل در آسیب ها یا ناکارآمدی های این بخش است. سیستم تصمیم گیری کلان به افزایش نابرابری اجتماعی انجامیده و عملاً ناکارآمد بوده است

شاید به جرات همه نهادهای آموزشی ما حتی مهدها هم محل بحث جدی باشند. به عنوان نمونه اینکه در مهد کودک آهنگ بگذاریم و با قطع شدنش بر سر صندلی کمتر یا منابع کمتر، رقابت کنیم انسان ساز است یا اینکه یاد دهیم تا جای امکان همه از منابع اندک استفاده کنند؟ بی راه است نتیجه بگیریم خروجی آن تربیت می شود صف کشیدن برای چند لیتر بنزین آن هم فقط برای چند روز، بجای تلاش برای حل ریشه ای مشکل؟

این پرسش بر تکنیک های آموزشی دلالت دارد و سطح بسیار خرد و عملیاتی است. عملیاتی شدن آموزش هم در ایران یک الگوی منسجم ندارد.

را در عرصه عمومی جستجو می کنند. بنابراین دانش آموختگان دانشگاه مدرن بر جامعه اثر مستقیم می نهند. آن ها با قلم و سخن خود بر عامه اثر می گذارند. با اینحال نهاد مدرسه بخش متفاوتی است که مخاطبانش تا حد زیادی عامه جامعه است. بدین معنا که شمول بیشتری دارد. بایستی در بحث این دو سازمان را از هم تفکیک نمود. آموزش مدرن در سازمان مدرسه، عموم جامعه را مخاطب قرار می دهد. خاصه اینکه باید دانست از حیث علم حقوق، حق آموزش جزو حقوق طبیعی و بنیادین بشر است. بنابراین هدف گذاری ها متفاوت خواهد بود. آنچنان که ساختار مکتب خانه با نظام آموزش مدرن تمایز ماهوی و فرمی داشت و اساساً دو انسان متفاوت تربیت می کند

فعالیت خیرین مدرسه ساز یا هموطنانی که به عنوان حامی دانشگاهی فعالیت خیرخواهانه دارند، قابل توجه است. حتی شرکت های نوآوری چون مکتبخونه^۱ اقدامات ارزشمندی برای کاهش نابرابری آموزشی در کشور انجام داده اند. با این حال در کشورمان حدود ۳۰ میلیون کم سواد و بیسواد داریم.^۲ آیا می توان مطرح کرد که برغم همه تلاش های ارزشمند صورت گرفته هنوز آن طور که شاید و باید راه حلی برای غلبه بر موانع آموزش کشور نیافته ایم؟

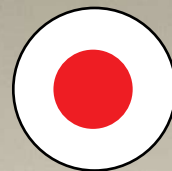
این نکته مهمی است که پاسخ را باید در وصف ساختاری جست. این موقعیت ساختاری تابعی

۱- جهت کسب اطلاعات بیشتر بنگرید به:

www.maktabkhooneh.org

۲- وجود ۳۰ میلیون ایرانی کم سواد و بیسواد

www.asriran.com



اگرچه نهاد قدرت کوشیده این مقوله را تحت کنترل خود درآورد لکن تفاوت های نسلی و ارزش های جهانی نو که در بستر شبکه های اجتماعی بازنشر می شود، مسیر دیگری رفته است. نمونه هایی مثل صف بنزین در دوران بحران اگرچه خیر از بدفهمی سوژه و اسب فرهنگی دارد اما معتقدم باید آن را در سطحی دیگر تحلیل نمود یعنی هراس مردمان از ناامنی شرایط. در واقع عدم اعتماد جامعه به مدیریت کلان حاکمیتی سبب شده در شرایط بحران، رفتارهای جمعی بروز نماید که وجه عقلانی ضعیفی دارد چنان صف بنزین! ضمن اینکه باید توجه داشت بخشی دیگر از بدنه اجتماعی ایرانیان خود منتقد این رفتارهاست. بنابراین این فضای گشایش و امیدبخش ذیل جامعه مدنی ایرانی وجود دارد و قابل تکیه خواهد بود برای ساختن آتیه ایران



● دکتر عباس نعیمی جورشری - جامعه شناس



● منبع تصویر: Should Children Help Clean Their Own Schools?

○ ژاپنی‌ها به چندین محور اساسی در برنامه‌های درسی خود توجه داشتند از جمله: تأکید بر مهارت بهره‌گیری از دانش و اطلاعات و حرکت از آموزش دانش به آموزش چگونگی یادگیری؛ تأکید بر کاهش محتوی دروس، ساعات کلاس درس و افزایش فرصت‌های دروس اختیاری و فعالیت‌های آزاد، خودآموزی و خودآگاهی آن‌ها؛ بهره‌گیری بیشتر از روش‌های آموزش فعال با تأکید بر پرورش تفکر انتقادی، مهارت‌های حل مسئله و کاهش نقش حافظه و گسترش یادگیری مبتنی بر پروژه؛ توجه بیشتر بر نیازها، تفاوت‌ها و توانایی‌های فردی افراد؛ پرورش حرفه‌ای معلمان متناسب با تحولات فناوری؛ توجه بیشتر به پرورش اخلاقی، مهارت‌های زندگی و مسئولیت اجتماعی و مهارت‌های روابط انسانی در افراد.^۱

۱- سرکار آرنی، محمدرضا. (۱۳۸۱)، اصلاحات برنامه درسی ملی ژاپن با تأکید بر رویکرد تلفیقی،

فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، دوره ۱، شماره ۱: ۲۷، ۳۷.



آموزش، ژاپن را ژاپن کرد؟

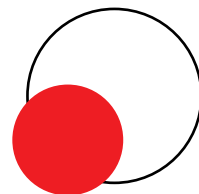
نگاهی به نقش آموزش در توسعه کشور ژاپن

نویسنده: فاطمه محمدزاده

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی و پژوهشگر اجتماعی

توسعه فرآیندی پیچیده و چندبُعدی است که شاخص‌های متعددی در دستیابی به آن نقش دارند. یکی از شاخص‌های کلیدی و تأثیرگذار در فرآیند توسعه در جهان امروز آموزش است، به گونه‌ای که طراحی نظام آموزشی مناسب، پیش شرط اصلی توسعه یافتگی و حرکت در مسیر کشورهای توسعه یافته است. بسیاری از نظریه پردازان و پژوهشگران حوزه توسعه به خصوص طرفداران نظریه سرمایه انسانی، چه در خارج و چه در داخل کشور، آموزش را محور توسعه می‌دانند و معتقدند که توسعه آموزشی یکی از مؤثرترین روش‌های سرمایه‌گذاری در ارتقای سرمایه انسانی است که در ترکیب با سرمایه‌های فیزیکی، منابع مالی و طبیعی، تولید و شکوفایی در کشورها را در پی دارد. به عبارتی آموزش با ارتقای نگرش و سطح مهارت‌ها، زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حتی سیاسی لازم را برای توسعه فراهم می‌کند. حسین عظیمی از صاحب‌نظران توسعه در ایران، توسعه را مجموعه‌ای از پنج عامل مرتبط به هم می‌داند که یکی از این عوامل آموزش مناسب برای توسعه و عوامل دیگر فرهنگ مناسب، تشکیل سرمایه، نظام مدیریت و اقتصاد مناسب و حفظ ثبات نظام است (عظیمی، ۱۳۷۱).^۱

۱- عظیمی، حسین (۱۳۷۱). مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران: تهران: نشر نی.



با این توضیح در نوشتار پیش رو قصد داریم نقش آموزش در فرآیند توسعه را با تمرکز به کشور ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم، بررسی نماییم، اینکه ژاپن چگونه بعد از جنگ با استفاده از آموزش به سمت تحقق توسعه پیش رفت و به یکی از توسعه یافته ترین کشورهای جهان تبدیل شد

ژاپن در نقطه آغاز توسعه

فرآیند توسعه ژاپن از سال ۱۸۶۸ و در دوران امپراتوری میجی آغاز گردید که در آن معرفی یک سیستم آموزشی مدرن به عنوان مهمترین سیاست، در اولویت قرار گرفت. ژاپن با وجود شکست در جنگ جهانی دوم و از بین رفتن بسیاری از زیرساخت ها، به سرعت مسیر رشد و توسعه را پیمود. در حقیقت برنامه های آموزشی رسمی این کشور نقش تعیین کننده ای در ساختن ژاپن مدرن به عهده گرفتند. از اواخر قرن ۱۹ تدوین و اجرای برنامه ریزی های کلان آموزشی همواره از اولویت های جدی دولت ژاپن بوده و نظام آموزشی این کشور موفق شده به خوبی با تربیت نیروهای مناسب، کشور را به سمت توسعه و رشد بالای اقتصادی پیش برد تا جاییکه اکنون در موقعیتی قرار دارد که مجمع جهانی اقتصاد آن را به عنوان کشور پیشگام در دستیابی به «جامعه پسانقلابی چهارم»^۲، موسوم به نسل پنجم^۳ نامیده و این مجمع دومین مرکز «انقلاب صنعتی چهارم» خود را در خارج از آمریکا، در آنجا تاسیس کرد.^۴ از ویژگی مهم ژاپن در رسیدن به توسعه،

2- Post-The Fourth Industrial Revolution Society
3- Society 5.0

۴- پور رستمی، ناهید؛ عابدینی، الهام؛ گل محمدی، علی. (۱۳۹۹)، نقش آموزش در دستیابی به جامعه نسل پنجم در ژاپن، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، دوره چهارم، شماره ۳۲: ۳۲۳.

پویایی و انعطاف برنامه های آموزشی برای پذیرش تغییرات و اجرای اصلاحات به صورت «بومی شده» است. همچنین فرهنگ ژاپنی حامل شاخص های توسعه پذیر قابل توجهی است که با دارا بودن شاخص هایی همچون جمع گرایی، آینده نگری، قانون گرایی، آمانه^۵، فرهنگ بوشیدو^۶ و کایزن^۷ موفقیت های قابل توجهی در دستیابی به توسعه داشته است.^۸ از طرفی از زمان اجرایی شدن نظام آموزشی مدرن، همواره اصلاحات تدریجی و مستمر در بخش آموزش را اجرا کرده است. همین نظام آموزشی زمانی روحیه ملی گرایی و جنگجویی را تقویت کرد و ژاپن پیش از شکست در جنگ جهانی دوم را ساخت و پس از آن هم، ژاپن را به کشوری توسعه یافته تبدیل کرد.^۹

نظام آموزشی ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم و اشغال کشور بوسیله نیروهای آمریکایی، دچار تغییرات اساسی گردید و بر اساس مدل های آمریکایی که رهبری ابداع ها و اختراع ها را در عرصه بین المللی عهده دار بود، تنظیم گردید. اما نکته مهم این است که ژاپن در این الگوبرداری فقط به دنبال روش مورد نظر نبوده، بلکه سعی در استفاده از این شیوه جهت خروج از گروه کشورهای جهان دوم داشت و از نظر

۵- این مفهوم دلالت بر نوعی وابستگی احساسی، ریشه دار و مختارانه به منبع اقتدار دارد و فرد هویت خود را در یک هویت جمعی وابسته به منبع اقتدار بیرونی (همچون والدین) تعریف می کند.

۶- از جمله مهمترین منابع فرهنگ ژاپنی است. بوشیدو ترکیبی از این سه خصوصیت وفاداری (از شینتوئوسم)، مطیع بودن (از کنفوسیانیسم)، خویشتن داری یا احترام (از بودیسم) است.

۷- در واقع نوعی خصلت فرهنگی ژاپنی در راستای بهبود تدریجی شرایط است

۸- بایزیدی، رحیم؛ حسین پناهی، حلیمه. (۱۳۹۸)، فرهنگ توسعه: مقایسه شاخصهای فرهنگی توسعه پذیر و ضد توسعه در ژاپن، بریتانیا و ایران، دوفصلنامه جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، سال هشتم، شماره اول: ص ۶ تا ۱۰.

۹- پور رستمی، ناهید؛ عابدینی، الهام؛ گل محمدی، علی. (۱۳۹۹)، نقش آموزش در دستیابی به جامعه نسل پنجم در ژاپن، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، دوره چهارم، شماره ۳۲: ۳۲۳

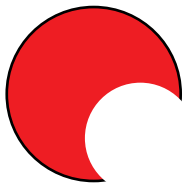


● منبع تصویر: نمایی از ژاپن پس از جنگ جهانی دوم www.slate.com

این مسئله باعث شده است که رقابت در بین نیروی کار در ژاپن افزایش قابل توجهی یابد و تلاش برای کسب مهارت و افزایش بهره‌وری از طریق کسب دانش‌های رسمی و در حین کار افزایش یابد. از دیگر ویژگی‌های نظام آموزشی ژاپن که نقش مهمی در تقویت اقتصاد و توسعه یافتگی این کشور به خصوص در بخش صنعت داشته است، بهبود کیفیت نظام آموزشی ژاپن همراه با تغییر شرایط جهانی بوده است. همچنین ژاپنی‌ها به چندین محور اساسی در برنامه‌های درسی خود توجه داشتند از جمله: تأکید بر مهارت بهره‌گیری از دانش و اطلاعات و حرکت از آموزش دانش به آموزش چگونگی یادگیری؛ تأکید بر کاهش محتوی دروس، ساعات کلاس درس و افزایش فرصت‌های دروس اختیاری و فعالیت‌های آزاد، خودآموزی و خودآگاهی آن‌ها؛ بهره‌گیری بیشتر از روش‌های آموزش فعال با تأکید بر پرورش تفکر انتقادی، مهارت‌های حل مسئله و کاهش نقش حافظه و گسترش

سیاسی هم‌هنگام به مستعمره آمریکا تبدیل نشد. به عبارتی هر چند مهم‌ترین راهبرد توسعه و صنعتی شدن این کشور بعد از جنگ جهانی دوم به واسطه اشغال آن بوسیله آمریکا راهبرد تقلید بوده است، اما این کشور با شناخت دقیق خود از تقسیم کار بین‌المللی سعی کرد با الگوبرداری مناسب از نظام آموزشی آمریکا به خصوص در دوره‌های دبیرستان و آموزش عالی که از مهم‌ترین ارکان توسعه دانش بنیان آمریکا شناخته می‌شد، توانست خود را به سرعت به تولید کالاهای دانش‌محور و توسعه فناوری‌های پیشرفته وارد نماید.

مهمترین رکن نظام آموزشی ژاپن که باعث قرار گرفتن این کشور در گروه کشورهای توسعه یافته و مرکز گردید، افزایش رقابت جهت بروز خلاقیت بود. به عبارتی برای آنکه کشوری بتواند از تقلیدکننده محض به سمت تولید کالاهای با فناوری بالا سوق داده شود، مهم‌ترین رکن آن وجود زمینه‌های بروز خلاقیت است.



منابع

بایزیدی، رحیم؛ حسین پناهی، حلیمه. (۱۳۹۸). فرهنگ توسعه: مقایسه شاخصهای فرهنگی توسعه پذیر و ضد توسعه در ژاپن، بریتانیا و ایران، دوفصلنامه جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، سال هشتم، شماره اول: ۱-۳۰.

پور رستمی، ناهید؛ عابدینی، الهام؛ گل محمدی، علی. (۱۳۹۹)، نقش آموزش در دستیابی به جامعه نسل پنجم در ژاپن، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، دوره چهارم، شماره ۳۲: ۳۲۱-۳۴۲.

سرکارآرانی، محمدرضا. (۱۳۸۱)، اصلاحات برنامه درسی ملی ژاپن با تأکید بر رویکرد تلفیقی، فصلنامه نوآوری های آموزشی، دوره ۱، شماره ۱: ۶۷-۸۸.

عظیمی، حسین (۱۳۷۱). مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران: تهران: نشر نی

صدای معلم، (۱۳۹۹)، تفاوت های آموزش و توسعه در امریکا، ژاپن و ایران

www.sedayemoallem.ir

یادگیری مبتنی بر پروژه؛ توجه بیشتر بر نیازها، تفاوت ها و توانایی های فردی افراد؛ پرورش حرفه ای معلمان متناسب با تحولات فناوری؛ توجه بیشتر به پرورش اخلاقی، مهارت های زندگی و مسئولیت اجتماعی و مهارت های روابط انسانی در افراد.^{۱۰} تجربه کشور ژاپن در زمینه آموزش نشان دهنده نقش آموزش و سیستم آموزشی مناسب و سرمایه گذاری در این حوزه در نوآوری، خلاقیت، رشد و توسعه یک کشور و همچنین قرار دادن آن در موقعیتی برتر در سطح جهانی است. به تعبیر محمدرضا سرکار آرانی^{۱۱} ژاپنی ها در حوزه آموزش و پرورش به چگونگی و تأکید بر "ما" رسیده اند ولی ایرانی سرگرم چیستی و عوارض "من" هستند.^{۱۲}

۱۰- سرکارآرانی، محمدرضا. (۱۳۸۱)، اصلاحات برنامه درسی ملی ژاپن با تأکید بر رویکرد تلفیقی، فصلنامه نوآوری های آموزشی، دوره ۱، شماره ۱: ۷۲، ۷۳

۱۱- درجه دکتری تخصصی خود را در رشته آموزش تطبیقی و بین الملل از دانشگاه ناگویای ژاپن گرفته است

۱۲- جهت کسب اطلاعات بیشتر بنگرید به: صدای معلم، تفاوت های آموزش و توسعه در امریکا، ژاپن و ایران

www.sedayemoallem.ir





بازسازی اقتصادی صرفاً امری اقتصادی نیست. بازسازی اقتصادی به انتخاب این یا آن سیاست اقتصادی با تعیین اولویت این طرح یا آن پروژه خلاصه نمی‌شود. هر سیاست اقتصادی که انتخاب شود در بستری از روابط و مناسبات یک سویه و بی نظارت و به دلیل فقدان ابزارهای نظارتی و کنترل عمومی، عملاً به فساد می‌گراید.

مهندس عزت‌الله سحابی

دکتر نادر هوشمندیار، توسعه و آموزش، تحلیل جایگاه آموزش در مدیریت و توسعه نیروی انسانی، چاپ سوم، انتشارات شورآفرین، سال ۱۳۹۴، ص ۱۴۸



توسعه آموختنی است؟

معرفی کتاب توسعه و آموزش اثر دکتر نادر هوشمندیار
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب

نویسنده: اشکان انصاری

پژوهشگر

طفل شیرخواری را تجسم کنید که روز به روز بزرگتر می شود و ممکن است تصویر مینیاتوری از پدر یا مادر یا ترکیبی از هر دوی آن ها باشد. به همان نسبت که قد کودک بلندتر می شود، وزن کودک افزایش می یابد و شرایط برای پیدا شدن دندان ها، اصوات و رفتارهای جدید ایجاد می شود که ما با دیدن این تغییرات می گوییم کودک "رشد" کرده است. اما کودک در روند بالغ شدن ویژگی های جدید و صفات تازه ای را هم در کنار افزایش اندازه اعضای بدن پیدا می کند؛ این فرآیند که کودک در آن ویژگی های جدید و صفات تازه ای را به دست می آورد "نمو" نامیده می شود

حال جامعه را مانند طفلی تصور کنید که پدر آن منابع معدنی یا محیطی و مادر او منابع فرهنگی و مدنی یا وراثتی مانند دین، باورها، عقاید، جشن ها، رسوم و... هستند^۱ که از پیشینیان به آن ارث رسیده است. جامعه بسط می یابد و مردم تکثیر می شوند که به اصطلاح می گوییم "رشد" کرده و یا مدرن می شود و امکانات جدیدی را فراهم می کند که باز هم می گوییم "نمو" داشته است. به همین ترتیب است که ما برای حرکت رو به جلوی یک جامعه، رشد را معیار کمی و توسعه را معیاری کیفی می دانیم:^۲ امروزه بسیاری بر

۱- دکتر نادر هوشمندیار، توسعه و آموزش، تحلیل جایگاه آموزش در مدیریت و توسعه نیروی انسانی، چاپ سوم، انتشارات شورآفرین، سال ۱۳۹۴، ص ۳۰

۲- همان، ص ۲۹

۳- همان، ص ۲۹

این باورند که رشد و توسعه یکی از مهمترین حوزه های مطالعاتی است. اما باید بدانیم که این دو مخرج مشترک ندارند یا مخرج مشترکشان چندان شبیه به هم نیست. اما باید به این هم اشاره کنیم که هر دوی این ها به نوعی با هم مرتبط و وابسته هستند

اما خالی از لطف نیست که تفاوت های آن ها را بدانیم:^۲

۱- رشد تغییر وجوه فیزیکی ارگانسیم است اما توسعه تغییرات کلی و ادامه دار آن

۲- رشد سلولی است اما توسعه سازمانی

۳- رشد با بلوغ متوقف می شود اما توسعه تا زمان مرگ ارگانسیم ادامه می یابد

۴- رشد تغییر شکل، فرم، ساختار و اندازه بدن است، توسعه تغییر ساختاری و رشد عملکردی بدن

۵- توسعه شامل رشد می شود، رشد بخشی از توسعه است

۶- رشد و توسعه با هم پیشرفت می کنند.

۷- رشد و توسعه محصول ژنتیک و محیط هستند

۸- رشد ماهیت کمی و توسعه کیفی دارد.

۹- رشد را می توان اندازه گرفت اما توسعه بنا به تعبیر هر فرد متفاوت است

تا اینجا کتاب، با مفهوم توسعه آشنا می شویم کلمه ای که دکتر نادر هوشمندیار در کتابش به ظرافت به تصویر کشیده و ارتباط آن با آموزش و اقتصاد را برای ما ترسیم می کند: "اقتصاد برای منافع خصوصی و آموزش برای بررسی منفعت عمومی بکار می رفت. اقتصاد را به دلیل تمرکزی که بر شرکت ها، افراد منطقی و منفعت جو و تصمیم گیری هزینه - فرصت داشت، علمی سرد و بی احساس

می دانستند چرا که تمام این ها در ظاهر با ارزش های اجتماعی و اخلاقی مرتبط با آموزش کودکان ارتباطی پیدا نمی کردند تا زمانی که سیستم های آموزشی کشورهای توسعه یافته تحت فشار قرار گرفتند تا کیفیت و ابعاد خود را بهبود ببخشند^۳ چرا که اقتصاد علمی است که می خواهد با کمترین مصرف، بیشترین بازدهی را داشته باشد."^۴

در کتاب آموزش و توسعه با چند کلیدواژه رو به رو می شویم که توضیح آن ها خالی از لطف نبوده و با معانی عامیانه آن ها اختلافاتی دارد؛ توسعه، رشد، اقتصاد، آموزش، بازار، تورم، شهریه، تبعیض آموزش. دکتر هوشمندیار همچنین با هوشمندی هر چه تمام تر تعبیر و ارتباطات این واژگان را به تصویر کشیده است و اگر خواننده منفعلی نباشیم پاسخ سوالات بسیاری را به ما می دهد که از کودکی دنبالشان بوده ایم. به عنوان مثال

۱- آیا هزینه ای که برای تحصیل می کنیم در آینده به جیبمان بر می گردد؟^۵

۲- آیا ضرب المثل "یکسال بخور نون و تره، یه عمر بخور نون و بره" واقعیت دارد؟^۶

۳- چطور فاصله اقتصاد و آموزش کاهش یافت و به هم مربوط شدند؟^۷

۴- بازار به تعبیر دکتر هوشمندیار چه ارتباطی با آموزشی دارد که در فرهنگ ما باید یکی از آن ها را انتخاب کرد؟ "علم بهتر است یا ثروت"^۸

۱- چرا با وجود دانشگاه های بسیار و افراد با تحصیلات عالی، با نرخ بالای بیکاری افراد متخصص مواجهیم؟^۹

۲- همان، ص ۳۲

۳- همان، ص ۳۳

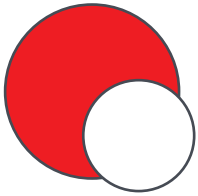
۴- همان، ص ۳۶

۵- همان، ص ۳۷

۶- همان، ص ۳۲

۷- همان، ص ۴۴

۸- همان، ص ۵۴



نرخ دستمزد کاهش نشان می دهد.^{۱۷}

به عقیده نویسندگان عملکردهای تولیدی آموزش نشانهای از کشورهای توسعه یافته اند زیرا:^{۱۸}

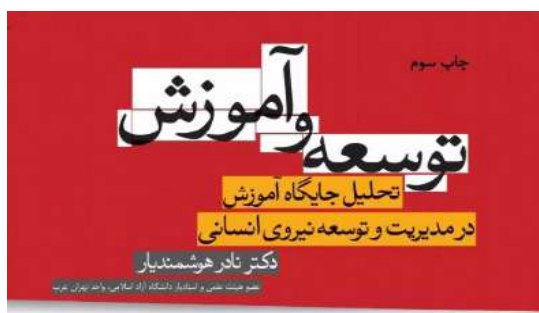
آموزش، افراد را کارآمدتر می کند

درآمد افراد را افزایش می دهد

سلامت افراد بهبود می یابد

افراد بهتر با اجتماع سازگار می شوند

کتاب دو عامل اساسی را در تولید آموزش بیان می دارد: نخست والدین و دوم محیط های آموزشی که بوسیله دولت فراهم شده است.^{۱۹}



۲- آیا هر چقدر بیشتر تحصیل کنیم و سال های بیشتری را دانشجو باشیم، بازگشت مالی بیشتری خواهیم داشت؟^{۱۰}

۳- تاثیر مرکز آموزشی بر یادگیری و بازگشت مالی در آینده چه میزان است؟^{۱۱}

اثر کیفیت آموزشی بر رشد اقتصادی به واقع در کشورهای بیشتری است که در درهای خود را به روی تجارت آزاد کاملاً گشوده اند. آموزش نه فقط در برنامه ها و حیطه های مختلف داخلی بلکه در موارد بسیاری مزایایی خارجی برای کشور به ارمغان می آورد: حقوق بشر، ثبات سیاسی، کاهش نابرابری و فقر، کاهش نرخ بزهکاری، افزایش میزان دریافت مالیات، مزایای محیط زیستی، خوشبختی و سرمایه اجتماعی و انتشار تکنولوژی^{۱۲} در حوضه سلامت همانطور که سقراط آموزش را "برابر کننده اصلی می داند"، لراس مونی به این نتیجه رسیده است که قانون آموزش اجباری و قانون کار کودکان، میزان مرگ و میر را تا ۶۰ درصد کاهش می دهد.^{۱۳} همزمان که آموزش، فقر را کاهش می دهد، سطح بهداشت و سلامت را هم بهبود می دهد و استرس و آلودگی محیط را کاهش می دهد^{۱۴} و همینطور جایگاه اجتماعی را بالا می برد.^{۱۵} در فصل های انتهایی کتاب اشاراتی به مشارکت مدنی و توسعه انسانی می شود: "منظور از مشارکت مدنی، مجموعه رفتار، منش و دانش است که باعث رشد شهروند موثر می شود.^{۱۶} در این فصل همچنین مسئله دستمزد- بزهکاری و آموزش مطرح می شود. مطالعات جدید نتیجه گیری می کنند که بزهکاری در نرخ های بالای بیکاری محلی افزایش می یابد و با افزایش

۱۷- همان، ص ۱۲۰

۱۸- همان، ص ۱۳۹: اقتصاددان ها و سایر محققان علوم اجتماعی، شواهد قانع کننده بسیاری ارائه می کنند که آموزش افراد را کارآمدتر می کند و درآمد آن ها را افزایش می دهد و همینطور مزایای غیر پولی هم دارد مانند: سلامت بهتر و سازگاری با اجتماع. این مزیت های آموزش در نتیجه کسب مهارت های ذهنی و غیرذهنی است. در نتیجه درک فرآیندی که در آن آموزش رسمی از طریق آن می تواند این مهارت ها را تولید کند برای تصویب قوانین موثر آموزشی ضروری است و اقتصاددان ها این فرآیند را بعنوان «عملکرد تولیدی آموزش» می شناسند

۱۹- همان، ص ۱۴۳

۱۰- همان، ص ۶۱

۱۱- همان، ص ۸۱

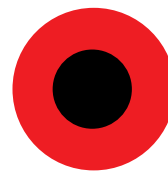
۱۲- همان، صص ۹۶ تا ۱۰۱

۱۳- همان، ص ۱۰۴

۱۴- همان، ص ۱۰۷

۱۵- همان، ص ۱۰۹

۱۶- همان، ص ۱۱۸



● منبع تصویر: گالری تصاویر دبستان دخترانه ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ www.hafezanevahy.ir

امروزه نقش آموزش به عنوان عامل یا ابزار تغییر و توسعه اجتماعی به طور گسترده شناخته شده است. تغییر اجتماعی ممکن است زمانی که انسان‌ها به تغییر نیاز دارند یا زمانی که نظام اجتماعی یا شبکه نهادهای اجتماعی موجود نتواند نیازهای موجود انسان را برآورده کند و یا زمانی که امکانات جدید راه‌های بهتری را برای رفع نیازهای انسان پیشنهاد می‌کند، رخ دهد

بریده ای از متن آموزش: ابزار تغییر؟



آموزش؛ ابزار تغییر؟

نگاهی به نقش آموزش در تغییرات اجتماعی

نویسنده: مهناز کرمی

پژوهشگر

آموزش و پرورش دارای مفهوم و کاربرد گسترده‌ای است. در تعریف این مفهوم میان مردم عادی و نیز صاحب نظران تعلیم و تربیت، اختلاف نظر وجود دارد. از سوی دیگر مفاهیمی مانند تعلیم و تربیت، نظام آموزشی، تحصیل، سواد آموزی، بارآوردن و... نیز جزئی از آموزش و پرورش محسوب می‌شوند و یا با آن هم پوشانی دارند. درباره مفهوم آموزش و پرورش باید در نظر داشت که این مفهوم منحصر به افراد، زمان، مکان یا عمل خاصی نیست؛ یعنی به طور مشخص آموزش و پرورش منحصر به مدرسه، کودکان یا آموزش دروس خاصی نیست؛ بلکه برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست. مدرسه برای ایفای چهار وظیفه اصلی توسعه پیدا کرده است: مواظبت اجباری، توزیع مردم به نقش‌های شغلی، یادگیری ارزش‌های مسلط، کسب دانش و مهارت‌های مورد پسند اجتماع.^۱ دورکیم می‌گوید: «آموزش، اجتماعی سازی نسل جوان تر است». او همچنین بیان می‌کند که آموزش «تلاشی مداوم برای تحمیل روش‌های دیدن، احساس کردن و عمل کردن به کودک است که او به صورت خودجوش به آن‌ها دست نمی‌یافت».^۲

۱- ایلیچ، ایوان (۱۳۵۸). فقر آموزشی در آمریکای لاتین، ترجمه هوشنگ وزیری، تهران: انتشارات خوارزمی.

۲- دورکیم، امیل (۱۳۷۶). تربیت و جامعه‌شناسی، ترجمه علی‌محمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران.



در حال توسعه هستند، بیشتر مشاهده می‌شود. به همین دلیل، در چنین جوامع مدرن و پیچیده‌ای، آموزش باید عملکرد اضافی تبدیل شدن به ابزاری برای تغییر را انجام دهد.^۴ بنابراین، رابطه بین نظام آموزشی و جامعه دوطرفه است؛ گاهی اوقات جامعه باعث تغییراتی در نظام آموزشی می‌شود و گاهی نیز نظام آموزشی باعث تغییراتی در جامعه می‌گردد. اما باید توجه داشت که آموزش قوی‌ترین ابزار برای ایجاد تغییرات اجتماعی است. از طریق آموزش، جامعه می‌تواند تغییرات مطلوب را اعمال کرده و خود را مدرن کند. آموزش می‌تواند جامعه را با فراهم کردن فرصت‌ها و تجربیاتی که فرد از طریق آن‌ها می‌تواند خود را برای انطباق با نیازها و فلسفه در حال تغییر جامعه پرورش دهد، متحول سازد. از این رو پیشرفت اجتماعی پایدار نیازمند برنامه ریزی دقیق در تمامی جنبه‌های زندگی، از جمله جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است.

نقش آموزش در تغییرات اجتماعی

آموزش به عنوان یک کاتالیزور حیاتی برای تغییرات اجتماعی عمل می‌کند و بر جنبه‌های مختلف جامعه تأثیر می‌گذارد و پیشرفت را به پیش می‌برد. نقش آن را می‌توان از طریق چندین عملکرد کلیدی که قدرت تحول آفرین آن را برجسته می‌کنند، درک کرد

۱- نقش آموزش در انسجام اجتماعی

جامعه‌شناسان معمولاً آموزش و پرورش را مترادف با «اجتماعی شدن» یا «جامعه‌پذیری» می‌دانند و به عقیده آنان آموزش و پرورش ساز و کار رسمی جامعه برای حفظ و انتقال فرهنگ است و به کمک آن مجموعه اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها، دانش‌ها و مهارت‌های جامعه به نسل جدید منتقل می‌شود.^۵

4-Moinoddin, S. H., & Rajhy, H. A. (2017), Role of education in social change, International Journal of Advanced Education and Research.

۵- علاقه‌مند، علی (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ویراست هفتم، تهران، روان

در کنار مفهوم آموزش، مفهوم تربیت اجتماعی از قلمرو مدرسه و نهادهای رسمی آموزش و پرورش فراتر می‌رود. بدین معنی که تربیت اجتماعی افراد به کار آموزشگاه‌ها منحصر نیست و در بیرون از مدرسه، که اغلب اوقات محیطی بریده از فضای رسمی مدرسه است و محیطی که کودک در آن زندگی می‌کند، سلسله محرک‌هایی بر او عرضه می‌شود که احتمال دارد بسیار آموزنده یا بسیار تخریب‌کننده باشد. مطبوعات، تجارب شخصی، رسانه‌های مختلف اعم از رادیو و تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی از این جمله‌اند. در این میان، پس از خانواده، گروه همسالان یکی از مهم‌ترین عوامل اجتماعی شدن کودک محسوب می‌شود. معمولاً افراد در این گروه‌ها موقعیت و وضعیتی نسبتاً مساوی و روابطی نزدیک دارند. این گروه‌ها کارکردهای زیادی از قبیل آماده کردن خود برای پذیرش نقش‌های اجتماعی، ایجاد مهارت‌های اجتماعی، کمک به ظهور استعدادها و فردی، جبران کاستی‌های خانواده، الگوسازی و انتقال فرهنگ و خرده فرهنگ‌ها دارند.^۳

آموزش به عنوان ابزاری برای تغییرات اجتماعی

در یک جامعه ساکن، کارکرد اصلی نظام آموزشی انتقال میراث فرهنگی به نسل‌های جدید است اما در یک جامعه در حال تغییر، این کارکردها از نسلی به نسل دیگر تغییر می‌کنند و نظام آموزشی چنین جامعه‌ای نه تنها باید میراث فرهنگی را منتقل کند، بلکه باید به آماده‌سازی جوانان برای تطبیق با هر تغییری که در حال حاضر رخ داده یا ممکن است در آینده رخ دهد، کمک کند. در جوامع امروزی، «نسبت تغییراتی که یا برنامه‌ریزی شده‌اند یا از پیامدهای ثانویه نوآوری‌های عمدی ناشی می‌شوند، بسیار بیشتر از زمان‌های گذشته است.» این موضوع به‌ویژه در جوامعی که تازه به استقلال رسیده و

۳- بیات، مریم و ملکی، نرگس و علی یوسفی، فاطمه و جدی، مهناز، ۱۴۰۲، نقش آموزش و پرورش در تغییرات اجتماعی، دهمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت، بندرعباس
www.civilica.com/doc/2012996

دورکیم معتقد است: «جامعه هنگامی می تواند به حیات ارگانیک خود ادامه دهد که بین اعضای آن به میزان کافی همگونی وجود داشته باشد و این کار را تنها نهاد تعلیم و تربیت می تواند تثبیت کند.»



● منبع تصویر: Emile Durkheim www.researchgate.net

اجتماعی کمک می کند. این تحول برای مدرن سازی جوامع و ترویج ارزش های مترقی ضروری است

۳- حفظ و انتقال فرهنگ

آموزش نقش حیاتی در حفظ میراث فرهنگی ایفا می کند و در عین حال به انتقال عناصر ارزشمند فرهنگی به نسل های جدید نیز کمک می کند. این عملکرد دوگانه تضمین می کند که جوامع، سنت های ارزشمند خود را حفظ کرده و در عین حال با نیازهای معاصر تطبیق یابند

۴- قدرت بخشی و آگاهی

آموزش به افراد قدرت می دهد و آن ها را با دانش و مهارت های لازم برای حضور فعال در زندگی مدنی تجهیز می کند. افراد تحصیل کرده بیشتر احتمال دارد که در جنبش های اجتماعی و سیاسی شرکت کنند، از عدالت اجتماعی دفاع کنند و به توسعه جامعه یاری رسانند. با افزایش آگاهی در مورد مسائل اجتماعی، آموزش به مردم کمک می کند تا ناعدالتی ها را شناسایی کنند و به این ترتیب آن ها را ترغیب به تغییر می کند

کارکردگرایان نقش مهم آموزش و پرورش را در جهت پایداری و بقای نظام اجتماعی به دو سطح خرد و کلان تقسیم می کنند. منظور از سطح خرد فرایند جامعه پذیری و ایجاد زمینه های ارزشی و هنجاری مشترک و سطح کلان، ارتباط خرده نظام آموزش و پرورش با خرده نظام های اقتصاد و سیاست و... است.^۶ دورکیم (۱۳۶۰) معتقد است: "جامعه هنگامی می تواند به حیات ارگانیک خود ادامه دهد که بین اعضای آن به میزان کافی همگونی وجود داشته باشد و این کار را تنها نهاد تعلیم و تربیت می تواند تثبیت کند. این تربیت است که انسان را اجتماعی می کند و انسان بدون اجتماعی شدن اساسا انسان نیست."^۷

۲- ابزار تغییر اجتماعی

آموزش اغلب به عنوان یکی از قدرتمندترین ابزارها برای تغییرات اجتماعی تلقی می شود. این ابزار با پرورش تفکر انتقادی و تشویق افراد در به چالش کشیدن باورها و تعصبات سنتی به تغییر نگرش های

۶- حاتمی، صادق، ذوالفقاری، عطیه، منصوری اول و عطیه. (۲۰۱۹). نقش آموزش و پرورش در توسعه اجتماعی و فرهنگی: پژوهش و مطالعات اسلامی. ۶۵-۵۹. (۱)

۷- دورکیم، امیل (۱۳۶۰)، فلسفه و جامعه شناسی، ترجمه فرحناز خمسه ای، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگها

۵- توسعه اقتصادی

بین آموزش و توسعه اقتصادی رابطه قوی وجود دارد. آموزش مهارت‌هایی را تقویت می‌کند که برای اشتغال ضروری هستند و در نتیجه به رشد اقتصادی کمک می‌کند. جمعیت با تحصیلات عالی می‌تواند به پیشرفت‌های فناوری و تغییرات در بازار کار سازگار شود و در نهایت به بهبود استانداردهای زندگی و کاهش سطح فقر منجر شود.

۶- ترویج شمولیت و انصاف

دسترسی به آموزش با کیفیت می‌تواند فاصله‌های اجتماعی و اقتصادی را کاهش دهد و شمولیت را در جامعه ترویج کند. با اطمینان از فرصت‌های آموزشی برابر، گروه‌های حاشیه‌نشین می‌توانند به منابعی دسترسی پیدا کنند که آن‌ها را از نظر اقتصادی و اجتماعی توانمند می‌سازد. این شمولیت برای دستیابی به انصاف اجتماعی گسترده‌تر بنیادی است.

۷- توسعه رهبری

مؤسسات آموزشی نقشی اساسی در پرورش رهبران آینده دارند که می‌توانند اصلاحات اجتماعی را هدایت کنند. با پرورش ویژگی‌های رهبری، آموزش افراد را برای پذیرش نقش‌هایی در بخش‌های مختلف آماده می‌کند که می‌توانند بر سیاست‌هایی که تغییرات اجتماعی را ترویج می‌دهند، تأثیر بگذارند.

۸- پاسخ به تغییرات اجتماعی

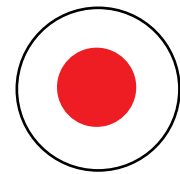
رابطه بین آموزش و تغییرات اجتماعی متقابل است؛ در حالی که آموزش عامل تغییر است، همچنین تحت تأثیر نیازهای در حال تحول جامعه قرار می‌گیرد. با تغییر شرایط اجتماعی، به دلیل پیشرفت‌های فناوری، تغییرات اقتصادی یا تحولات فرهنگی نظام‌های آموزشی باید به طور متناسب سازگار شوند تا مرتبط و مؤثر باقی بمانند.^۸

8-Patil, N. P. (2012). Role of education in social change. International educational e-journal, 1(2), 205-210.

آموزش و تغییرات اجتماعی در ایران

امروزه با توجه به توسعه تکنولوژی کشورهای جهان سوم از جمله ایران، دستخوش تغییرات فراوانی می‌شوند که ناشی از آموزش و آگاهی بخشی در عرصه‌های مختلف اجتماعی هستند. اگرچه انتظار می‌رود نقش آموزش در تغییرات اجتماعی همواره مثبت باشد اما اگر سیاست‌های آموزشی به درستی و منطبق با نیازهای جامعه معاصر حرکت نکنند گاه اثرات منفی بر توسعه جوامع بر جای می‌گذارند. آموزش در ایران اگرچه در برخی زمینه‌های فناوری و ارتباطات منجر به رشد و توسعه شده است^۹ اما از سوی دیگر زمینه‌ساز کاهش نرخ رشد جمعیت، وضعیت اشتغال، میزان نارضایتی و اعتراضات اجتماعی، افزایش مهاجرت و ... نیز گشته است. بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران نرخ رشد جمعیت در سال‌های اخیر روند کاهشی داشته است به طوری که از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۴ شاهد افزایش مولید در کشور بوده‌ایم، اما پس از سال ۱۳۹۴ به علت خالی شدن توان درونی جمعیت و همچنین به تأخیر انداختن فرزندآوری به سنین بالاتر، تعداد تولدها با شیب تقریباً زیادی شروع به کاهش کرده و در سال ۱۴۰۲ تعداد مولید کشور (۱۰۵۷۰۹۵۸) نسبت به سال ۱۳۹۴ (۱۰۵۷۰۲۱۹) کاهشی بیش از ۳۲ درصدی را به همراه داشته است و متوسط نرخ رشد جمعیت از ۳.۷ درصد در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به ۱.۲۴ درصد در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ کاهش یافت و در نتیجه این روندها، نرخ رشد طبیعی جمعیت، در سال ۱۴۰۲ با شیبی کاهنده به حدود ۰.۷ درصد رسیده است.^{۱۰} تغییرات جمعیتی در ایران متأثر از عوامل مختلفی از جمله، اقتصاد و معیشت است اما آموزش و آگاهی بخشی از طریق رسانه‌های ملی و بین‌المللی بر افزایش و کاهش روند نرخ رشد جمعیت تأثیرگذار است، تا جایی که بر اساس تحقیقات صورت گرفته در سال‌های اخیر میزان

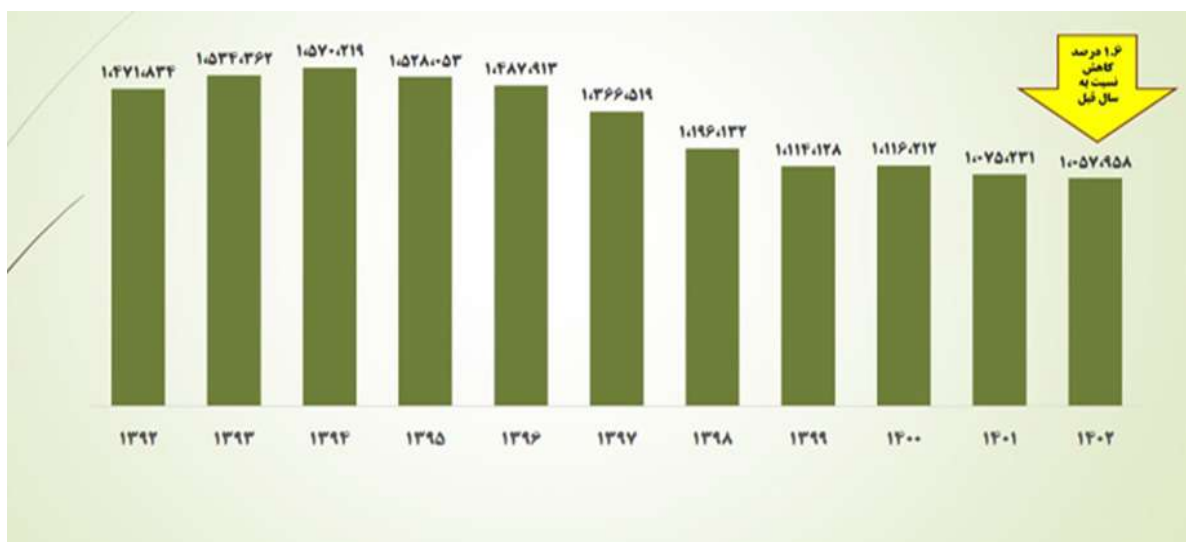
۹- البته نباید از تأثیرات منفی و بازدارنده انزوای اجتماعی ایران از نظام جهانی در بحث توسعه که باعث عقب ماندگی بخش‌های صنعتی و ارتباطات از رقابت در بازارهای جهانی شده است، غافل شد
۱۰- به نقل از محمودی، محمدجواد (۱۴۰۳) نگاهی اجمالی به تحولات اجتماعی در ایران www.sccr.ir/news



انتظار می‌رود در وضعیت مناسبی باشد بیش از سایر گروه‌ها و تا دو برابر متوسط نرخ بیکاری کشور باشد. آموزش نادرست به نسل‌های جدید در حوزه هنرچهارها و ارزش‌های مسلط باعث انزجار اجتماعی شده و از آن ضد ارزش ساخته است، به طوری که در سال‌های اخیر شاهد افزایش اعتراضات اجتماعی و افزایش شکاف بین جامعه و حاکمیت به دلایل ایدئولوژیک و فرهنگی بوده‌ایم. ایجاد محدودیت‌های اجتماعی و فقدان آزادی عقیده به ویژه در نهاد آموزش نه تنها موجب از دست رفتن سرمایه اجتماعی حکومت‌ها بلکه منجر به افزایش موج مهاجرت نیروی جوان و کارآمد از جامعه می‌شود و صدمات جبران‌ناپذیری را در بلندمدت به دنبال دارد. ناگفته پیداست آموزش در جامعه ما اثرات مثبت قابل توجهی داشته است که از جمله آن‌ها می‌توان به افزایش آگاهی اجتماعی، افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پرورش روحیه مطالبه‌گری اشاره کرد.

باروری و فرزندآوری در میان افراد تحصیل کرده کمتر از سایرین بوده است. از سوی دیگر نارضایتی اجتماعی در ایران در سال‌های اخیر از عوامل مختلفی از جمله اقتصاد، سیاست، عملکرد دولت‌ها، منزلت اجتماعی و... اثر پذیرفته است که یکی از شاخصه‌های منزلت اجتماعی، تحصیلات است. بنابراین می‌توان گفت که آموزش و تحصیلات اگرچه به طور غیر مستقیم اما بر میزان نارضایتی اجتماعی مؤثر بوده‌اند.^{۱۱} با این توضیح از مهم‌ترین مسائل مبتلا به بازار کار کشور آن است که دانشگاه‌ها در رشته‌های گوناگونی بدون توجه به نیاز واقعی بازار کار، دانشجو تربیت می‌کنند اما بازار کار تنها به آن بخشی از فارغ‌التحصیلان توجه دارد که بتواند نیاز واقعی خود به نیروی کار را برطرف کند. ناتوانی دانشگاه‌ها یا بی‌توجهی دانشجویان به لزوم کسب مهارت‌های شغلی مورد نیاز بازار کار، باعث شده تا همواره نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی که

۱۱- ر.ک: حسینی زاده آرانی، سید سعید. مرادی، عبدالله. وثوقی اصل، اصغر و مهتری آرانی، محمد. (۱۴۰۱). تحلیلی بر ریشه‌های اجتماعی شکل‌گیری و بروز نارضایتی‌های اجتماعی در ایران (مورد مطالعه: شهروندان تهرانی). امنیت ملی - ۲۶۰ - ۲۲۷، ۴۳(۱۲).



روند ثبت ولادت در کشور طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۴۰۲

مأخذ: مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور



شبکه اجتماعی کتابدوستان

بهخوان فضایی برای کتابخوانهاست تا همدیگر را پیدا کنند و درباره کتابها حرف بزنند.

به ما بپیوندید

بهخوان
BEHKAAN.ir

کلیک کنید

شبکه‌ی اجتماعی کتابدوستان

بهخوان، با شروع کارش در آذر ۱۴۰۰، اولین شبکه اجتماعی کتابدوستان و کتابخوانان در ایران با کامل‌ترین دیتابیس کتابهای فارسی (حاوی اطلاعات بیش از یک میلیون کتاب) است که به مرور زمان اطلاعات کتابهای دیگر هم به آن اضافه می‌شود. بهخوان تلاش می‌کند فضایی فراهم کند برای تبادل نظر درباره کتابها. فضایی که در آن می‌توانید درباره کتابها بنویسید. به آنها امتیاز بدهید. دوستانتان را پیدا کنید و کتاب محبوب بعدی‌تان را کشف کنید

بهخوان با فعالیت کاربران خود معنا پیدا می‌کند. هر آنچه درباره کتابها می‌نویسیم و می‌خوانیم و به اشتراک می‌گذاریم، بهخوان را به مرجعی جامع‌تر برای کشف دنیای کتابها تبدیل می‌کند. اگر باور دارید که جهان با تعامل سلیقه‌ها و اندیشه‌های گوناگون به جای بهتری تبدیل می‌شود، شما هم به بهخوان بپیوندید؛ برای خاطر کتابها

بخش دوم

کارآفرینی در ایران



سرمایه گذاری در دانش بهترین سود را می دهد.

بنجامین فرانکلین

از پدران بنیانگذار ایالات متحده آمریکا

بنجامین فرانکلین
www.wikipedia.org

منبع تصویر:



● منبع تصویر: اعمال ممنوعه‌های جدید و عجیب در مدارس دخترانه www.bartarinha.ir

|| به نظر می‌رسد یک شناخت از پیش تعیین شده وجود دارد و ما باید آن را منتقل کنیم. مسأله‌ای که برای ما اهمیت دارد این است که این نظام از قبل صورت بندی شده به راحتی و در یک حیات آزادانه به دانشجو یا دانش آموز منتقل نمی‌شود. ما با یک سری از الگوهای آموزش روبرو هستیم که خیلی ارزش مدار هستند. بنابراین آنچه که در نظام آموزش ما منتقل می‌شود تحت تأثیر شدید ایدئولوژی است

|| بریده‌ای از متن نظام آموزشی ایران توسعه گراست؟



نظام آموزشی ایران توسعه گرا است؟ نگاهی اجمالی به ارتباط بین نظام آموزشی و توسعه در ایران

نویسنده: حمیرا حاجی محمد کاظمی

دکتری جامعه شناسی و پژوهشگر

موضوع توسعه و آموزش و پرورش در ایران یکی از موضوعات کلیدی و اساسی برای پیشرفت جامعه به شمار می آید. این موضوع به دلیل ارتباط مستقیم با رشد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی همواره در سیاست‌های کلان باید مورد توجه قرار گیرد. نظام آموزشی با دیگر نهادها مثل سیستم قضایی و... که ابزار اداره حکومت هستند، تفاوت دارد. چون محتوایی که در نظام آموزش وجود دارد دانش است. دانش یعنی شناخت حقیقت پدیده‌ها. وقتی تلاش کنید که آن محتوا را طوری بکار گیرید که ایدئولوژی را روی آن سوار کنید، خود به خود با یک امر متناقض روبرو می شوید. از یک طرف محتوای دانش می‌خواهد تلاش کند به حقیقت پدیده‌ها برسد از طرف دیگر ساختار سیاسی آن محتوا را نمی‌تواند تمام و کمال بکار ببندد تا بتواند مطابق با ایدئولوژی خود آن را تغییر دهد. هیچ نظام آموزشی و هیچ دانش غیر ایدئولوژیکی وجود ندارد.^۱ در جایی که نظام آموزشی ایدئولوژیک می‌شود در واقع دستکاری‌هایی در محتوای آموزش و ساختار آموزش انجام می‌شود. مثلاً در ایران در قالب انقلاب فرهنگی، نوعی دستکاری در نظام آموزشی صورت گرفت. هر نوع مسأله‌مندی در نظام آموزش منجر به دانش جدید یا نظام آموزشی جدید می‌شود. اما مسأله آموزش چیست؟

۱- این به نوعی گفتار فوکویی است.

دانش، دچار تحریف و دستکاری می‌شود و ما هرچه را می‌خواهیم برجسته می‌کنیم، کنار می‌گذاریم یا منتقل می‌کنیم. «دنیاپی که در آن زندگی می‌کنیم به سرعت در حال تغییر است. در این زمان تفکر خلاق، کلیدی است که امکان مواجهه با مشکلات، تطبیق و در نهایت موفقیت را برای ما فراهم می‌کند. در زمان تغییر، راه‌های معمولی برای حل بهینه مسائل و ایجاد نوآوری مناسب نخواهد بود. بنابراین چارچوبی انعطاف‌پذیر نیاز داریم که مشوق کشف و بررسی ایده‌ها باشد. **بی توجهی به نیازها و استعدادها دانش آموزان و تفاوت‌های فردی آن‌ها در این زمینه و استفاده نکردن از روش‌های مطلوب تدریس و یادگیری، علاقه و انگیزه آنان را برای آموختن از بین می‌برد و این بی‌علاقگی برای دانش آموزان که با زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی مختلف به مدرسه می‌آیند، نتایج نامطلوبی به بار می‌آورد** یادگیری متداول در آموزش و پرورش به جای استفاده از تمام استعدادها و هدایت این توانایی‌های

به نظر می‌رسد یک شناخت از پیش تعیین شده وجود دارد و ما باید آن را منتقل کنیم. مسأله‌ای که برای ما اهمیت دارد این است که این نظام از قبل صورت بندی شده به راحتی و در یک حیات آزادانه به دانشجو یا دانش آموز منتقل نمی‌شود. ما با یک سری از الگوهای آموزش روبرو هستیم که خیلی ارزش مدار هستند. بنابراین آنچه که در نظام آموزش ما منتقل می‌شود تحت تأثیر شدید ایدئولوژی است. ایدئولوژی محصول رابطه با قدرت است و ابزار عینی کردن قدرت. قدرت برای اینکه بتواند، قدرت خویش را عینی کند نیازمند یک سری داده‌های دانش است. در نتیجه نیاز به نهاد هم دارد که آن نهاد آموزش است. وقتی آموزش با ایدئولوژی عجین شود بعضی از امور را رؤیت ناپذیر می‌کند. در واقع دولت‌ها براساس درخواست‌ها و اراده خودشان، یک انسان آرمانی را مد نظر قرار می‌دهند. پس نظام آموزش در هنجارپذیر کردن افراد از روش‌های خاص خودش استفاده می‌کند. یعنی نظام دانش و الگوی انتقال





بالقوه دانش آموزان برای تحقیق به جستجو کردن، مشاهده کردن، تجربه کردن و تجزیه و تحلیل امور درباره پدیده‌ها که می‌تواند تمام استعدادهای دانش آموزان را پرورش دهد، تنها به روش‌های مقطعی و بیان لفظی مطالب اکتفا می‌کنند. نادیده گرفتن این امور، ذوق، خلاقیت و ابتکار دانش‌آموزان را از بین می‌برد و آنان را افرادی منفعل و بی‌علاقه به تحصیل بارمی‌آورد که نتیجه آن به صورت افت تحصیلی بروز می‌کند.^۲

توسعه و مسئولیت

بدون شک یکی از موضوعات مهم در نظام آموزشی ایران توجه به مقوله توسعه است. به نظر می‌رسد که نظام آموزشی اگرچه تلاش می‌کند در راستای چشم‌اندازهای توسعه در ایران به عنوان سند بالادستی، عمل کند اما در عمل با ناکارآمدی و کژکارکردی‌های بسیار روبروست. از این منظر می‌توان گفت که نظام آموزشی نتوانسته است همساز با مقوله توسعه در جهان حرکت نماید. اگر بپذیریم که مهم‌ترین مؤلفه ما در توسعه توجه به تربیت شهروندان برای زندگی در جامعه جهانی است در آن صورت می‌توان آموزش را به گونه‌ای با مقوله توسعه پایدار، توسعه فرهنگی، توسعه سیاسی و اجتماعی پیوند داد. در حقیقت هر کنشگری در مدرسه باید بیاموزد که چگونه نسبت به جامعه جهانی مسئول است و باید تاوان هر کنشی را که انجام می‌دهد و پیامدهای آن را بپذیرد از این منظر باید این سؤال را مطرح کرد که در نظام آموزشی ایران دانش‌آموزان تا چه اندازه

۲- مقیمی، محمد و همکاران (۱۳۸۴) مطالعه و بررسی رابطه بین عوامل آموزشی و افت تحصیلی در میان دانش‌آموزان پسر آموزشگاه‌های راهنمایی فصلنامه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی ۳، ص ۳۲

با مقوله‌هایی مانند محیط زیست، اولویت‌های فرهنگی، مشارکت سیاسی و... آشنا می‌شوند؟ به نظر می‌رسد که در این زمینه ناکارآمدی‌های بسیاری وجود دارد به عنوان مثال کتاب‌های درسی هر چند به مقوله رفتارهای مشارکتی می‌پردازند اما از آنجا که این مباحث به صورت سطحی و از بالا به پایین تدریس می‌شود، هرگز در دانش‌آموزان درونی نمی‌شود. به عنوان مثال رویه هنجارسازی یا جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری که می‌تواند رفتارهای مواجهه با محیط زیست را در دانش‌آموزان درونی نمایند، در نظام آموزشی ایران اتفاق نمی‌افتد. در اینجا دلایل بسیار متعددی برای این ناکارآمدی‌ها وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود

(۱) اقدامات ناپایدار به جای پایدار

به نظر می‌رسد که در زندگی و زیست جامعه ایران، کنش‌های ناپایدار در حوزه محیط زیست بسیار به چشم می‌خورد. ارائه و اجرای ایده‌های نوین برای حفظ منابع طبیعی، کاهش آلودگی و توسعه پایدار می‌توانند، بهبود و محیط زیست و کاهش تأثیرات منفی بر جامعه کمک کند. در این بین تغییرات آینده می‌توانند جهان را به شکل‌های مختلفی تحت تأثیر قرار دهند

تغییر اقلیم: اگر اقدامی برای مقابله با بحران اقلیم نشود زمین ممکن است برای جمعیت آسیب‌پذیر و غیرقابل سکونت شود

سلاح‌های هسته‌ای: تهدید استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در آینده نزدیک بعید به نظر می‌رسد اما در شرایط خاص نامحتمل نیست.

رویدادهای جهانی: وقوع جنگ‌ها، تغییرات آب و هوایی، پیشرفت‌های تکنولوژیکی و حوادث طبیعی می‌توانند جهان را تحت تأثیر قرار دهند

از این منظر باید در نظر داشت که در مدرسه، هیچ کنشگری مبتنی بر پایداری تمرین نمی‌شود و از این نظر دانش‌آموزان هیچ چیزی را که برای یک زندگی مبتنی بر حفظ محیط زیست، ضروری است، نمی‌آموزند.

در برخی از کشورها برای آنکه بتوانند توسعه پایدار و محیط زیست را در اولویت قرار دهند، برنامه‌های متعددی را در مدارس اجرایی کنند. به عنوان مثال به بچه‌ها آموزش داده می‌شود که استفاده زیاد از اتومبیل به آلودگی بیشتر آب و هوا منتهی می‌شود و یا به آن‌ها می‌گویند که آلاینده‌های هوا به طور فزاینده منبع آلودگی آب‌ها و باران اسیدی هستند و یا به عنوان نمونه به دانش‌آموزان، آموزش داده می‌شود که بهتر است برای بالا رفتن بهره‌وری و بر خورداری از هوای پاک، پیاده روی و یا استفاده از دوچرخه انتخاب شود. همه این موارد نشان می‌دهد در بسیاری از کشورها برای ایجاد پایداری در محیط زیست برنامه‌های از پیش تعیین شده‌ای وجود دارد

۲) مشارکت‌های تک بعدی

به نظر می‌رسد مساله مشارکت ورزشی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی از جمله موضوعاتی است که باید آن را آموزش داد. به عنوان مثال باید به دانش‌آموزان یاد دهیم که چگونه در سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود مشارکت نمایند. اما از آنجا که در جامعه ایران مشارکت‌ها تک بعدی است، کمتر با مقوله مشارکت عمقی مواجه می‌شویم. در حقیقت هیچ زمینه‌ای برای آموزش مشارکت عمومی و چندوجهی وجود ندارد و شاید یکی از بخش‌های مهمی که در مدارس کمتر به آن توجه می‌شود شوراهای دانش‌آموزی است. تجربه نشان داده که شوراهای دانش‌آموزان در

ایران بیشتر جنبه ظاهری دارد. در کشورهای اسکانداویجی برای آنکه دانش‌آموزان بتوانند مشارکت را یاد بگیرند در برخی از روزها، مدرسه بوسیله دانش‌آموزان اداره می‌شود. این خود مدیریتی باعث می‌شود دانش‌آموزان بتوانند هم کار گروهی را تجربه کنند، هم آنکه بتوانند با مشارکت و پذیرش مسئولیت، راهبردهای مدیریتی را جهت حفظ و اداره مدرسه اتخاذ نمایند. در مجموع به نظر می‌رسد که مقوله توسعه از منظرهای گوناگون با آموزش در ایران هیچ پیوندی برقرار نکرده است یا دست‌بالا پیوند عمیقی ندارد! در حالی که اگر بخواهیم با یک نگاه توسعه‌گرا به آموزش نگاه کنیم باید یک رابطه دیالکتیک یا منطقی دو سویه بین آموزش و توسعه برقرار کنیم.

۳) فرسایش سرمایه اجتماعی

یکی دیگر از موضوعات مهم که باید به آن توجه شود سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی یعنی توجه به روابطی که میان افراد وجود دارد. از منظری باید توجه داشت که داشتن دیدگاه ارتباطی و شبکه‌ای، موضوع بسیار مهمی است. در اینجا باید در نظر داشت در رابطه با سرمایه اجتماعی ۴ دیدگاه مطرح است

۱) دیدگاه اجتماع‌گرا که اصولاً سرمایه اجتماعی را به لحاظ فعالیت انجمن‌ها در درون اجتماع بررسی می‌کند و فرض را بر این می‌گذارد که هر چه سرمایه اجتماعی بیشتر باشد صرف نظر از اثرات مضر آن، بهتر است.

۲) دیدگاه شبکه‌ای که بررسی می‌کند ترکیب‌های مختلف سرمایه اجتماعی چه پیامدهای مثبت و منفی می‌تواند داشته باشد.

۳) دیدگاه نهادی که بیان می‌دارد قدرت شبکه‌های اجتماعی محصول قدرت سیاسی، قانونی و نهادی است.

۴) دیدگاه هم‌افزایی که تلاش می‌کند رویکردهای نهادی و شبکه‌ای را با توجه به ویژگی‌های مکمل نهادهای دولتی برای شبکه اجتماعی با تأثیر عملکرد نهادها بر روی شبکه‌هایی که درون این نهاد مستقر شده‌اند، به هم مرتبط سازد.^۲

در دیدگاه‌های مطرح شده می‌توان مشاهده کرد که نقش نهادهای دولتی در سرمایه اجتماعی بسیار مهم است. هر چند که سرمایه اجتماعی انباشت معرفتی است که بیشتر در پایین هرم جامعه شکل می‌گیرد ولی دولت هم می‌تواند نقش مؤثری در آن ایفا نماید. به نظر می‌رسد در زمینه سرمایه اجتماعی در جامعه ما کمتر توجه شده است. در حالی که اگر سرمایه اجتماعی گسترش یابد یقیناً جامعه می‌تواند در مسیر توسعه، راهبردهای موفقیت آمیزی را طی کند. در اینجا سؤالی که مطرح می‌شود این است که سرمایه اجتماعی در جامعه ایران تا چه حد در اولویت قرار دارد و اینکه دولت‌ها چگونه می‌توانند توجه ضروری به سرمایه اجتماعی را به دانش‌آموزان منتقل کنند؟ تمام این‌ها نکاتی است که به نظر می‌رسد می‌توان از منظر توسعه در نظام آموزشی ایران به آن توجه کرد و آن را مورد نقد قرار داد. در مجموع به نظر می‌رسد که در جامعه ایران توجه به مقوله توسعه با اولویت‌های زیرساختی و ارتباط آن با نظام آموزش و پرورش مورد توجه قرار نگرفته است و ما با کاستی‌های زیادی در این زمینه روبرو هستیم.

۲- ناظری، مهرداد (۱۴۰۰) کرونا انسان از هم گسیخته یا خردروز مهرورز، تهران: سورنا، ص ۱۸۴



● منبع تصویر: دکتر مقصود فراستخواه www.fa.wikipedia.org

○ به‌شخصه توسعه را افزایش قابلیت می‌بینم نه به معنای ساختن زیرساخت، پل و سد و مانند این! توسعه افزایش قابلیت انسانی و نهادی است. توانایی و مهارت مبتنی بر صلاحیت و شایستگی‌ها. ارتباطات انسانی شما توسعه می‌یابد و با این موارد می‌توانید تولید ایده کنید. می‌توانید با دیگران همکاری و گفتگو کنید. می‌توانید کارآفرین باشید و فرصت‌های تازه‌ای برای خلق ثروت ایجاد کنید

بریده‌ای از گفتگو با دکتر مقصود فراستخواه

استاد دانشگاه





روش های نوین آموزشی؛ راهی به سوی توسعه؟

بررسی تاثیر روش های نوین آموزشی بر دستیابی به توسعه در جامعه ایران
در گفتگو با دکتر مقصود فراستخواه استاد دانشگاه

مصاحبه: معصومه اشتیاقی

جامعه شناس و پژوهشگر توسعه

شاید در باب اهمیت آموزش و تاثیر آن بر توسعه، شک چندانی وجود نداشته باشد اما می توان پرسید که آیا روش های نوین آموزشی که عموماً بر فناوری های خاصی چون متاورس، بلاکچین و هوش مصنوعی تکیه دارند می توانند حرکت به سمت توسعه را تسریع کرده و تعمیق بخشند؟ اصلاً می توان بین روش های نوین آموزشی و یافتن راهی به سوی توسعه، رابطه ای یافت؟ برای پاسخ به این دست پرسش ها خدمت دکتر مقصود فراستخواه، استاد دانشگاه رسیدیم



و فرصت هایی ایجاد می کند در آن فضا، فرآیند یادگیری فعال می شود و در جریان یادگیری، علم و ورزش و علم آموزی ایجاد می شود که نتیجه آن، دانش است که زندگی، دانش بنیان می شود.

به شخصه توسعه را افزایش قابلیت می بینم نه به معنای ساختن زیرساخت، پل و سد و مانند این! توسعه افزایش قابلیت انسانی و نهادی است. توانایی و مهارت مبتنی بر صلاحیت و شایستگی ها. ارتباطات انسانی شما توسعه می یابد و با این موارد می توانید تولید ایده کنید. می توانید با دیگران همکاری و گفتگو کنید. می توانید کارآفرین باشید و فرصت های تازه ای برای خلق ثروت ایجاد کنید. متأسفانه ما از این حیث در ایران خیلی مشکل داریم؛ بیش از یک میلیون بازمانده از تحصیل داریم، ما گروه بزرگی از فرزندان ایران را داریم که به دلایل مختلف ساختاری و مشکلات خانوادگی، به لحاظ فرصت هایی که باید برای آن ها فراهم شود و نمی شود در سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمان، خراسان و .. از تحصیل محروم هستند و از فرصت آموختن باز می مانند. در حالی که بخت یادگیری یکی از مهم ترین بخت های زندگی هر فردی است

فرصت زیستن و شکوفایی را به افراد می دهد. آموزش، یادگیری، فرصت درگیری با دانش و استفاده از دانش، برای فهم مسائل و تقلیل رنج ها و مرارت ها است. آموزش یک کالای خصوصی شده در حالی که آموزش کالای عمومی است چون بازده اجتماعی آن بیش از بازده فردی است. یک شهروند باسواد، طبق تحقیقات دنیا، بهتر از زندگی خود استفاده می کند و بازده اجتماعی این است که از زمان فراغت خود بهتر استفاده می کند و برای جامعه تولید ارزش می کند و از این طریق مشاغل تخصصی داشته باشد. کسانی که سرمایه انسانی

جناب دکتر به نظر شما بین آموزش و توسعه چه رابطه ای وجود دارد؟ اگر بله این رابطه را در ایران امروز چطور می بینید؟

اصل یادگیری است. آموزش، یک پروتکلی است که یادگیری در آن اتفاق می افتد. یادگیری چه کاری برای توسعه می کند؟ از نظر من این مهم یک چرخه است. به این ترتیب که آموزش روی توسعه تاثیر می گذارد و توسعه روی آموزش. به بیانی دیگر رابطه آموزش و توسعه یک رابطه خطی و یک سویه نیست. بلکه آموزش کمک می کند به توسعه و آموزش می تواند عامل توسعه باشد و توسعه هم برای آموزش فرصت های بیشتر و بهتری ایجاد می کند. از طرفی یادگیری سبب می شود که دانش در انسان بدنمند شود. در واقع انسان ها دانش را بدنمند می کنند و همین طور تبدیل می شود به سرمایه نهادی بدنی که یادگیرنده می شود. می تواند مدام خلق ایده کند و حل مساله داشته باشد. همین طور یادگیری سبب می شود دانش، تبدیل به سرمایه علمی شود

وقتی من نوعی یاد می گیرم، صلاحیت های تازه به دست می آورم و کیفیت ذهنی، کاری و کیفیت های عملی تازه ای به دست می آورم؛ مقاله می نویسم، صحبت می کنم، فناوری و کارآفرینی می کنم. خلق ایده و تولید محصول و نوآوری، همه محصول یادگیری است. اقتصاد در گذشته، روح و موجودیت مادی داشت. در حقیقت منابع مادی، کار فیزیکی و پول اساس اقتصاد را تشکیل می دادند اما اقتصاد امروز دانش بنیان است که بر یادگیری و دانش استوار است. اقتصاد دانش بنیان بر روی منابع مادی و کار فیزیکی می نمی چرخد بلکه روی ایده ها، خلق دانش، تولید معنا، تولید ارزش می چرخد که جملگی نتیجه یادگیری است. آموزش، فضا



بالا دارند کمترین جرم و جنایت را مرتکب می شوند. بر اساس مطالعات محققان دنیا، هر چه انسان بیشتر یاد می گیرد، بهتر می تواند مسائل شخصی و خانوادگی را حل کند و البته می تواند شغل و فرصت های بهتری به دست بیاورد. آموزش فرصت های ارتقای سطح کیفیت زندگی و انسانی را ایجاد می کند. همان طور که اشاره کردم در ایران، آموزش کالای عمومی نیست چرا که دو سال مهم پیش دبستانی و مهد کودک جزو سرویس خدمات بخش عمومی دولتی نیست و عمدتاً بخش خصوصی آن را اداره می کنند. هر چه کودکان در میان می بینیم نوعاً خصوصی هستند و در سطح پیش دبستانی هم، آموزش کالای خصوصی است. از سوی دیگر، کیفیت مدارس دولتی در ایران بسیار پایین است. وقتی شما ۳ هزار نفر اول کنکور را می بینید، متوجه می شوید که خانواده متوسط به بالا را شامل می شدند که امکان فرستادن بچه هایشان به مدارس خصوصی و با کیفیت تر را داشتند.

از طرفی منابع دولتی برای سرانه آموزشی در ایران نسبت به کشورهای موفق دنیا خیلی پایین است. حال در نظر بگیرید که اگر آموزش نداشته باشیم طبعاً دموکراسی و توسعه به معنای انسانی نخواهیم داشت. از یک سو آموزش های دولتی از کیفیت لازم برخوردار نیست و از سوی دیگر آموزش غیر از این که کالای خصوصی است، خیلی هم دولتی است! یعنی مدرسه و معلم محور نیست بلکه وزارت محور، اداره محور، دولت محور و ایدئولوژیک محور است. همه چیز تحت تصرف دولت است. در کشورهای آسیای جنوب شرقی، بخش از اروپا و کلاً کشورهای توسعه یافته و حتی بخش از آفریقا، آموزش در اختیار معلم، مدرسه، خانواده، محله، شهر، نهادهای تخصصی، حرفه ای و صنفی است. در حقیقت یادگیری از پایه ابتدایی تا متوسطه، کلاً باید در آغوش معلم و شهر باشد و بوسیله خانواده ها، معلمان و مربیان شایسته و حرفه ای، نهادهای تخصصی، انجمن های علمی در



Photo: MezinMortazavi

منبع تصویر: هشداری که باز هم تکرار شد؛ ۱۶۰ مدرسه خراسان شمالی فرسوده و تخریبی است www.tasnimnews.com

حوزه تعلیم و تربیت و متفکران تعلیم و تربیت باشد ولی در ایران، آموزش تحت سلطه اداره است! کار ایدئولوژی که دست دولت است برای خودش قداست ایجاد می کند و کتاب های درسی که با این ایدئولوژی نوشته می شود یا افراد خاصی معلم می شوند و افراد خاصی اجازه ساخت مدرسه دارند که همه بازتولید کننده ایدئولوژی است که اول از همه خلاقیت و صور خیال بچه ها را نابود می کند و مدرسه شبیه پادگان می شود و درس های کلیشه ای که نظم از بالا را دستوری ارائه می دهد.

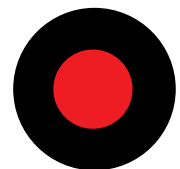
در حالی که آموزش برای برابری و نه یکسان سازی است. وقتی آموزش برابر باشد، شهروندان برابر می شوند و از حقوق لازم برخوردار می شوند. آموزش برای این است که انسان ها روح برابر داشته باشند و نه یکسان. وقتی انسان یاد می گیرد، می تواند از حقوق خودش خوب استفاده کند، فرصت کارآفرینی داشته باشد، مشارکت خلاق داشته باشد و می تواند نسبت به حقوق خودش و مسئولیت هایش آگاهی داشته باشد. اما در ایران آموزش نابرابر است. چون بچه هایی که خانواده ثروتمند دارند می توانند از برخی آموزش های خاص برخوردار شوند و از مدرسه خصوصی یا معلم سرخانه و ... استفاده کنند. خانواده ها خیلی برای آموزش مدرسه اعتبار و اعتمادی قائل نیستند. آموزش یک سری مشکلات دیگر هم دارد که فقط به رقابت فردی دامن می زند. افراد روی نمره فردی رقابت می کنند. نظام آموزشی افراد را به سمتی که بتواند گلیم خودشان را از آب بکشند سوق می دهد، در حالی که در مدارس باید کار جمعی و اشتراک ایده یاد داده شود. کمک کردن و همیاری باید از طریق آموزش در فرزندان ما نهادینه شود

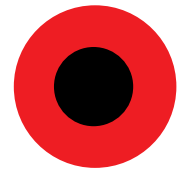
به نظر تان مهم ترین فرصت ها و چالش های کلان ساختاری و نهادی در فرآیند آموزش با تاکید بر افق توسعه ایران کدامند؟

زیرساخت ها بسیار ناقص است تاحدی که در ایران خیرین با مشکل زیادی مواجه هستند چون سرمایه اجتماعی در کشور مدام در حال کاهش است و اعتماد به نهادها، دولت و به مدرسه در حال فرسایش است. این امر خود می تواند به خیرینی که می خواهند به ساخت مدرسه کمک کنند، لطمه بزند. مدارس دولتی جزو فقیرترین نهادها در کشور هستند که هر اداره دولتی و سازمان دولتی امکاناتش از آن بیشتر است. کهنه ترین امکانات، اشیاء، فرسوده ترین زیرساخت ها مربوط به مدرسه است. یک جمعیت بزرگی از جمعیت ۹۰ میلیونی ایران الان در بخش آموزش و پرورش هستند اما این ها امکانات کافی ندارند چون بودجه کافی نیست که دلیلش مشکلات اقتصادی، ناترازی مالی و تحریم و تشنج در منطقه و .. است. امکانات مالی کشور کم است و وقتی به آموزش می رسد حمایت و بودجه کمی به آموزش اختصاص داده می شود. به این موارد حقوق پایین معلم ها را اضافه کنید. روش های تدریس قدیمی هم داستان خود را دارد آن هم در عصر متاورس

به نظر شما در عصر فناوری هایی چون هوش مصنوعی، آموزش چطور می تواند برای توسعه ایران به خدمت گرفته شود؟

در کشور ما شاخص AI READY NES که شاخص هماهنگی برای هوش مصنوعی در دولت ها و کشورهاست، چقدر است؟ داد های ۲۰۲۴ نشان می دهد که در به کارگیری هوش مصنوعی در داده ها، قوانین، آیین نامه ها و ... جزو موارد خوب منطقه هم نیستیم. به ترتیبی که حتی در منطقه خلیج فارس، کشورها خیلی جلوتر از ما هستند. چرا؟ چون با انواع موانع





نقش و تاثیر اشکال آموزش را از قدیم تا امروز و بین نسل های مختلف از حضور در مکتب خانه ها تا یادگیری در عصر دیجیتال و هوش مصنوعی را در نسبت با توسعه ایران چطور میبینید؟

یکی از مشکلات آموزش در ایران آن است که دچار پس افتادگی در آموزش شدیم. معنایش این نیست که ما استحقاق و توانایی نداریم بلکه زیرساخت ها و سیاست ها حمایت نمی کنند و گرنه بچه های ما با موبایل پدر و مادر خلاقیت خود را نشان می دهند. ما شاهد هستیم که بچه های کوچک ما کمی که به گوشی مسلط می شوند، آن چنان از گوشی استفاده می کنند که ما تعجب می کنیم. نیروی انسانی یادگیرنده در ایران یک سرمایه بزرگ است که شوق یادگیری و آموختن دارد. در ایران سرمایه انسانی آموزش پذیر وجود دارد. بچه ها وقتی وارد مدرسه می شوند احساس می کنند به موزه های آموزشی وارد شدند. بچه هایی که با موبایل بازی می کنند وقتی وارد مدرسه می شوند با کتاب های درسی، وضعیت مدرسه، معلم ها و .. احساس می کنند وارد عهد دقیانوس شده اند که همه ناشی می شود از سیطره دولت و ایدئولوژی بر آموزش. کار دولت باید حمایت از آموزش باشد نه قبضه کردن آن! دولت باید زیرساخت فراهم کند و سرانه آموزش هر دانش آموز را در بودجه ببیند و اداره سالاری و وزارت سالاری را در آموزش و پرورش از بین ببرد و به جای آن مدرسه، معلم، دانش آموز، خانواده، جامعه و متخصصین تعلیم و تربیت در محور توجه و به عنوان ارکان آموزش، قرار بگیرند. وقتی همه چیز از بالا به مدرسه تحمیل می شود فرصت خلاقیت را از مدرسه می گیرد. علاوه بر این دولت فرصت ایجاد کند که متخصصین و معلمین توانمند و خیرین عهده دار شوند. من در مدرسه صفا در تبریز درس خواندم. این مدرسه بوسیله پیشروترین شهروندان شهر تبریز ساخته شده بود و بوسیله خود آن ها

چون فیلترینگ روبرو هستیم. انقلاب جدید تکنولوژی مانند اینترنت اشیاء، متاورس و هوش مصنوعی، این ها محیط آموختن را عوض کردند و دریچه های یادگیری را تغییر دادند. ما به دلیل مشکلات تنظیم گری و حکمرانی هوش مصنوعی و فناوری، شهروندان ایرانی را از فرصت های نوپدید جهانی عقب نگه داشته ایم و محروم کرده ایم. مثلاً در مورد متاورس، ما دچار ناهمزمانی با دنیا شدیم. چون متاورس ابزار ساده ای نیست. متاورس می آید تنظیمات ذهنی علم ورزی را عوض می کند، بینش را عوض می کند. یادگیری مدارس با متاورس تحول پیدا کرد. مثلاً با متاورس امکان غوطه وری در علم به وجود آمد. شما در کلاس علوم هر چقدر با کتاب و تخت سیاه نمی توانید امکان غوطه وری در علم را تجربه کنید، متاورس این امکان را با حس فضا ایجاد می کند. در متاورس، بچه ها فضا را حس می کنند و در علم غوطه ور می شوند، تجسم می کنند، ارتباط دوستی شان گسترش می یابد، جذابیت علم آموزی با بازی و سرگرمی ارتقا داده می شود. علم با بازی و سرگرمی پیوند داده می شود و در نتیجه مغز کودک و نوجوان بیشتر فعال می شود.

تحقیقات عصب شناسان شناختی مثل داماس نشان داد که یادگیری فقط با شناخت پیش نمی روند بلکه با هیجان اتفاق می افتد. ما اگر معلم باشیم، معلمی که شناخت را با هیجان می آمیزد، به دانش آموز بهتر می تواند یادگیری را انتقال دهد. «بازی گونه نگه علم»^۱ در متاورس رخ می دهد و تفکر انتقادی رشد می کند و شبیه سازی باعث علم آموزی می شود و با شبیه سازی وارد جریان علم می شوند. در ایران زیرساخت، امکانات، سیاست ها و برنامه های لازم برای به کارگیری فناوری جدید مانند متاورس مهیا نیست

اداره می شد. اگر مدرسه در اختیار متخصصین، متفکران، مربیان واقعی، انجمن ها، نهادهای مستقل و سرمایه گذار مستقل قرار بگیرد، این ها می توانند مدرسه خلاق ایجاد کنند؛ مثل مدرسه طبیعت

مهم ترین توصیه و پیشنهادی که می توان برای ایجاد آشتی میان ساختار آموزشی و توسعه در ایران داشت به نظر تان چه مواردی است؟

برای آموزش با کیفیت به یک جریان و جنبش اجتماعی از پایین لازم داریم که باید بوسیله خانواده ها، معلمان، انجمن های علمی، سمن ها و .. شکل بگیرد؛ یک جنبش آموزش و یادگیری از متن جامعه. در این مسیر پیشتازی متخصصان، مربیان و سازمان های مردم نهاد یا سمن ها، نهادهای مدنی، روزنامه ها، حلقه های اجتماعی و نهادهای علمی ضروری است. باید هدف این جنبش توسعه آموزش با کیفیت توأم با خلاقیت باشد؛ در حقیقت آموزشی در تراز جهانی.

جنبش از پایین باید از محله و مدرسه و نهادهای مردمی شکل بگیرد و یک سری تحولات و اصلاحات باید از بالا اتفاق بیفتد. قوانین را اصلاح کنند که افراد با کیفیت مدرسه بسازند و مدیران شایسته و معلمین با کیفیت در مدارس پرورش پیدا کنند. مدرسه های مبتکر و نوآور حمایت شوند. این جنبش از پایین و اصلاحات از بالا سیستم های آموزشی را آزاد می کنند و به سمت خلاقیت و نوآوری سوق دهند مثل مدرسه طبیعت

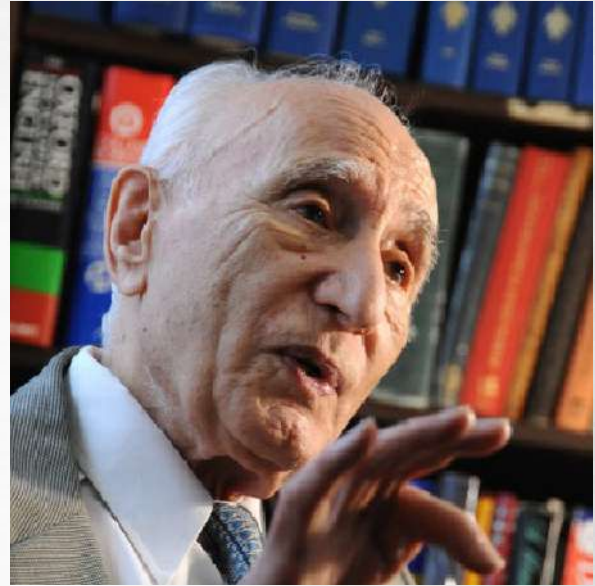
من برای این مساله مفهوم «کنشگران مرزی» را توسعه دادم که کسانی در ایران هستند که بین دولت و ملت پل می زنند. مسائل و مشکلات جامعه را پیش دولت می برند و سعی

می کنند برایش طرحی نو دراندازند. رشدیه نمونه یک کنشگر مرزی است که یک پایش در دولت بود و یک پایش در جامعه. جبار باغچه بان، توران میرهادی و بهمن بیگی هم همین طور. بهمن بیگی که آموزش را به ایلات برد، از منابع دولتی استفاده می کرد. تاکید می کنم یک حرکتی از متن جامعه مثل شما با راه اندازی مجله و یا شروع یک مدرسه با خلاقیت های تازه یا کارآفرینی که شما دنبال می کنید، باید در سنین اولیه یاد داده شود. توسعه از سنین اولیه شروع می شود. اساس تربیت انسان توسعه یافته، در سال های نخست زندگی هر فرد شروع می شود. البته کارآفرینی با تحمل ابهام همراه است. اگر تحمل ابهام من کم باشد، ریسک می کنم؟ کسی که ریسک می کند باید ابهام را پذیرا باشد. اگر نمی تواند ریسک بکند، کارآفرین موفقی نخواهد شد. باید به بچه ها از کودکستان و دبستان روحیه نوآوری، تحمل ابهام، دانش، کارگروهی و .. را یاد

کسانی در ایران هستند که بین دولت و ملت پل می زنند. مسائل و مشکلات جامعه را پیش دولت می برند و سعی می کنند برایش طرحی نو دراندازند. رشدیه نمونه یک کنشگر مرزی است که یک پایش در دولت بود و یک پایش در جامعه. جبار باغچه بان، توران میرهادی و بهمن بیگی هم همین طور. بهمن بیگی که آموزش را به ایلات برد، از منابع دولتی استفاده می کرد. توسعه یافته، در سال های نخست زندگی هر فرد شروع می شود.



● دکتر آرين اکبري



● استاد احسان يارشاطر



● دکتر محمد فاضلي



● سيوس صفاريان پور

همه ما نادان به دنیا می آییم، اما برای احمق ماندن باید سخت تلاش کرد.

بنجامین فرانکلین
فیلسوف و سیاستمدار آمریکایی



آموزش برای دانایی

معرفی چهار تن از فعالین عرصه آموزش؛
استاد احسان یارشاطر، دکتر آرین اکبری، سیاوش صفاریان پور و دکتر محمد فاضلی

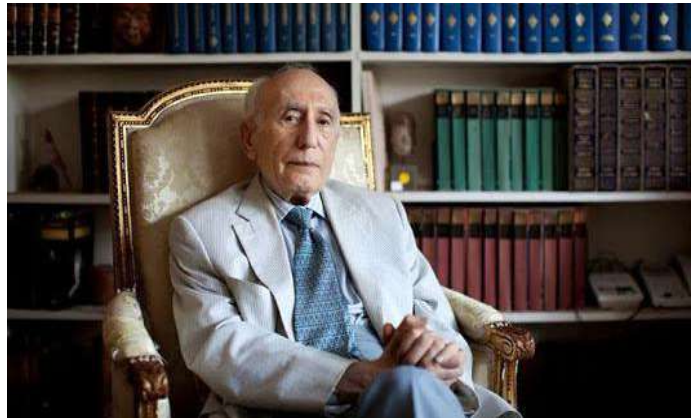
نویسنده: ماهرخ صادقی

پژوهشگر

نهادهای متعددی در حوزه آموزش فعالیت می کنند. تاثیر هر یک جدا از مثبت یا منفی بودن یک حسن غیرقابل انکار دارد و آن پدیدآمدن تضارب آراست. امری که ما را به اندیشیدن بیشتر وامی دارد. از این رو در نوشتار پیش رو چهار چهره ای که فعالیت های آموزشی ایشان تاثیر قابل ملاحظه ای بر جامعه ایران گذاشته اند را مورد بررسی قرار می دهیم؛ استاد احسان یارشاطر بنیانگذار ایرانیکا، دکتر آرین اکبری و همکارانشان به عنوان هم بنیانگذاران تلسی تاک، سیاوش صفاریان پور مستندسازی برنامه های علمی و دکتر محمد فاضلی بنیانگذار و مدیر پادکست دغدغه ایران

کاری است کارستان. هیچ اثری
را در زمینه مطالعات خاورمیانه
نمی توان یافت که به اندازه دانشنامه
ایرانیکا کامل و جامع باشد.

پروفسور ریچارد نلسون فرای، دانشگاه هاروارد
مجله American Oriental Society



منبع تصویر: استاد احسان یارشاطر www.diarnamag.com

ایرانیکا! بزرگ ترین و جامع ترین آفرینه نگاشت ایران شناختی در جهان

احسان یارشاطر، ایران شناسی وطن پرست و بزرگترین سفیر فرهنگی صد سال اخیر ایران در جهان بوده است. نقشی که فردوسی در هزار سال گذشته برای پاسداشت زبان فارسی به عهده گرفت، وی به گونه ای دیگر به دوش کشیده است. تلاشی با همراهی گروهی از نویسندگان و پژوهشگران ایران پژوه از سراسر جهان که برای معرفی زبان، تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران صورت گرفته است

رویاهای پر ستاره

یارشاطر در فروردین ۱۲۹۹ خ در همدان چشم به جهان گشود. سال های کودکی را با دشواری ناشی از مرگ والدینش در همدان، کرمانشاه و تهران نزد اقوام سپری کرد. سودای تحصیل را برای مدتی از سر بیرون کرد. حتی خواست جان خود را بستاند اما انتخابش برای نبودن، نافرجام ماند؛ گویی قرار بر این بود که نقش آفرینی جاودان در آسمان تاریخ و تمدن ایران باشد. زنده ماند تا رویای مادرش را جامه عمل بپوشاند؛ رویای مرد علم شدن را. از قافله تحصیل باز ماند و جبران زمان از دست رفته، دشوار بود.

۱- جهت کسب اطلاعات بیشتر بنگرید به:

www.iranicaonline.org

شش ماه، سخت کوشید. توانست مجوز ورود به دانشسرای عالی را دریافت کند. این رخدادی نکو بود و مسیر خردورزی را برایش هموارتر کرد. دکترای زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران گرفت. پس از چندی با بورس «شورای فرهنگی بریتانیا در تهران» به لندن رفت. از «مدرسه مطالعات مشرق زمین و آفریقای دانشگاه لندن» دکترای فرهنگ و زبان های باستانی ایران را دریافت کرد. نشست و برخاست او با ایران پژوه ممتازی چون «والتر برنوو هنینگ^۲» و «نورا الیزابت مری بویس^۳» باعث شد که بعدها جرقه خلق شاهکاری ارزنده در ذهن او شکل گیرد

پرسش ها و ایده ها

پس از اتمام تحصیل در لندن، به ایران بازگشت. بین سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۷ در جایگاه دانشیاری کرسی زبان اوستا و فارسی باستان در دانشگاه تهران به تدریس مشغول و پس از ابراهیم پورداوود، جایگاه استادی «فرهنگ ایران باستان» به وی واگذار شد. با این حال سرعت

۲- والتر هنینگ (Walter Bruno Henning) خاورشناس و ایران شناس آلمانی و انگلیسی، متخصص زبان های باستانی ایرانی و پیشگام در پژوهش های آیین مانی و استاد راهنمای دوره دکترای احسان یارشاطر بود

۳- نورا الیزابت مری بویس (Mary Boyce) استاد دانشگاه و پژوهشگر در رشته مطالعات زرتشت و استاد کرسی مطالعات زرتشتی دانشگاه لندن بود



تولید و انتشار علم در فضای دانشگاه، با سرعت حرکت او برای پژوهشگری در خصوص فرهنگ و تاریخ ایران هماهنگ نبود پس به آمریکا رفت

بنگاه ترجمه و نشر کتاب^۴

یارشاطر مدتی را در «دانشگاه کلمبیا» به عنوان استاد مدعو در رشته زبان فارسی تدریس کرد و نخستین ایرانی شد که پس از جنگ جهانی دوم در آمریکا، به مرتبه استادی رسید. با این حال در سال ۱۳۳۷، به ایران بازگشت. دانست که در ترکیه ۶۰۰ اثر برگزیده ادبیات غربی ترجمه و چاپ شده است. اینکه هیچ برنامه‌ای برای ترجمه آثار برجسته زبان‌های خارجی وجود نداشت، بر او سخت‌گرا آمد. چاره‌ای اندیشید. او هنر پیاده‌سازی ایده‌ها را خوب می‌دانست. موسسه‌ای برای ترجمه و نشر ادبیات غربی و جهان راه‌اندازی کرد. مترجمان و ویراستاران را از همه جای ایران گردآورد تا مهمترین و ماندگارترین آثار ادبی جهان را ترجمه و به ایرانیان بشناساند

دانشنامه ایران و اسلام

یارشاطر در سال ۱۹۶۹ کوشید «دانشنامه اسلام» را به زبان فارسی ترجمه کند اما اطلاعات مربوط به مدخل ایران را ناکافی می‌دانست. بعدها در سال ۱۹۷۵ دانشنامه جدیدی را منتشر کرد که در واقع ترجمه‌ای از دانشنامه اسلام به همراه مدخل‌هایی مربوط به ایران بود که آن را با عنوان «دانشنامه ایران و اسلام» در ده جلد منتشر کرد. این پروژه به علت همزمانی با وقوع انقلاب اسلامی ایران نیمه تمام ماند و جلد آخر آن در سال ۱۹۸۰ منتشر شد.

دانشنامه ایرانیکا؛ تعبیر یک روپا

در سال ۱۹۶۶ در سفری که به ایران داشت ایده تأسیس «بنیاد دانشنامه ایرانیکا» را مطرح کرد. «هنگامی که ویرایش دوم دانشنامه اسلام منتشر شد، از برنارد لوئیس (از ویراستاران ویرایش دوم دانشنامه اسلام) پرسید که «چرا مدخل‌های دانشنامه اسلام در رابطه با ایران این قدر کم محتوا است؟» پاسخ این بود که علت آن‌ها مخالفت با ایران شناسی نیست، بلکه کمبود پژوهشگر در زمینه موضوعات ایران شناسی است.» در سال ۱۳۴۷ به پیشنهاد یارشاطر و با موافقت نخست‌وزیر وقت، بودجه‌ای ۲ میلیون دلاری در «سازمان برنامه و بودجه ایران» تصویب و کار تدوین دانشنامه ایرانیکا آغاز شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حمایت از این دانشنامه متوقف شد. او بنا نداشت بنای سترگی را که پی افکنده بود، نیمه تمام رها کند. توانست حمایت «بنیاد ملی علوم انسانی آمریکا» را برای تأمین هزینه‌های ایرانیکا را به دست آورد. با وجود این هزینه‌های دانشنامه بیش از پیش بینی وی بود. اما برای ادامه زیست دانشنامه تردیدی برای از دست دادن تمام دارایی‌های مادی و معنوی خود نداشت. یک کلکسیون شخصی به ارزشی بالغ بر ۳ میلیون دلار در اختیار داشت که آن‌ها را به فروش رساند. آثاری که برخی از آن‌ها در «موزه متروپولیتن نیویورک» نگهداری می‌شوند

سردبیران و ویراستاران

از آغاز شکل‌گیری ایرانیکا، یارشاطر سردبیر دانشنامه بود. بیش از ۴۰ نفر در شورای ویراستاری و ۱۶۵۰ پژوهنده، در تکمیل این دانشنامه بزرگ مشارکت دارند. ویراستاران از پژوهشگران بین‌المللی برجسته در زمینه مطالعات ایران هستند. از سال ۲۰۱۷، التون دنیل^۵ (مورخ و ایران‌شناس) سرپرستی دانشنامه

5-Elton L. Daniel

۴- این نهاد پیش از انقلاب تأسیس شد.



بنیاد پس از ده سال تامین این پروژه، ادامه کمک مالی را منوط به کمک مالی از داخل ایران کردند

را به عهده گرفته است. در حال حاضر سر ویراستار جدید دانشنامه ایرانیکا، دکتر تورج دریایی^۶ است

وضعیت انتشار

دانشنامه با هدف بیشترین دسترسی برای خوانندگان در سطح جهانی، به زبان انگلیسی منتشر می‌شود. پس از اتمام و تکمیل، همه نوشتارها به زبان فارسی ترجمه خواهد شد. پنج سری از مقاله‌های دانشنامه با عنوان: انقلاب مشروطه، پوشاک در ایران زمین، ادبیات داستانی در ایران، خوشنویسی و تاریخ روابط ایران و آلمان) بوسیله انتشارات امیرکبیر ترجمه و در دسترس علاقه‌مندان فارسی زبان قرار گرفته است

چرا ایرانیکا مهم است؟

در وبگاه ایرانیکا آمده است: «دانشنامه ایرانیکا یک ابزار پژوهشی جامع است که برای ارائه تصویری دقیق از یک تمدن مهم جهانی در طول چندین هزار سال طراحی شده است. این جامع ترین خلاصه‌ای است که تاکنون درباره فرهنگ گذشته و حال مردم ایران و سهم آن‌ها در تاریخ گسترده تر تمدن بشری نگاشته شده است. دانشنامه ایرانیکا مجموعه‌ای غیرحزبی، غیرسیاسی، غیرمذهبی، غیرایدئولوژیک و کاملاً مستقل، از اطلاعات عینی، مستند و قابل اعتماد دانشمندان برجسته در سراسر جهان در دانشگاه‌ها و مؤسسات بزرگ آمریکای شمالی، اروپا و آسیا تدوین شده است.»

پوشش و دامنه موضوعی

دانشنامه ایرانیکا به بررسی تاریخ و تمدن ایران در خاورمیانه، قفقاز، آسیای مرکزی و شبه قاره هند می‌پردازد و همه جنبه‌های تاریخ و فرهنگ ایران از جمله ادبیات و زبان‌های ایرانی را پوشش می‌دهد. در ایرانیکا مقالاتی از حوزه‌های مختلف چون مردم‌شناسی، باستان‌شناسی، جغرافیا، تاریخ هنر، قوم‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، تاریخ دین، فلسفه، عرفان، تاریخ علم، پزشکی، تاریخ اسلامی، گیاه‌شناسی، جانورشناسی، فولکلور، صنعت، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و تاریخ دیپلماتیک منتشر شده است. صدها پژوهشگر در سراسر جهان مقالاتی را به زبان‌های گوناگون از جمله انگلیسی، روسی، فارسی، ترکی و چینی ارائه کرده‌اند. در جلد اول مقالاتی از ۲۸۵ نویسنده وجود دارد

مجلدها و حامیان

نخستین دفتر از دانشنامه در سال ۱۳۶۱ خ (۱۹۸۲ میلادی) منتشر شد. نخستین جلد آن شامل ۸ دفتر در سال ۱۹۸۵ انتشار یافت. تا امروز ۱۶ جلد از آن منتشر شده است. پیش بینی می‌شود تا زمانی که دانشنامه به پایان حرف Z برسد، تعداد جلد‌های آن به ۴۵ برسد. حامیان مالی این دانشنامه، دانشگاه کلمبیا و بنیاد ملی علوم انسانی آمریکا هستند. این دو

۶- جهت کسب اطلاعات بیشتر به صفحه جناب دکتر دریایی در دانشگاه کالیفرنیا مراجعه فرمایید
www.faculty.uci.edu/profile/?facultyId=5432

وطن من، فرهنگ ایران است
عمر احسان یارشاطر پر بهار بود.
آفتابی که یک قرن، بر آسمان تاریخ
و فرهنگ تمدن ایرانی درخشید. هر
چند آفتاب عمر زمینی اش در ده
شهریور ۱۳۹۷ ماه دور از خاک وطن،
غروب کرد اما هرگز دور از وطن نبود و
آفتاب حکمتش با رفتنش غروب نکرد.
آنچه او با همراهی دیگر اندیشمندان
آفریده، یادگاری ارزشمند برای همه
کسانی خواهد بود که ایران را با همه
فراز و نشیب هایش، دوست می دارند.



منابع

- ۱- احسان یارشاطر؛ جهان وطن بود و مظهر ایران دوستی، نقل از وبگاه ایران وایر، شهریور ۱۳۹۷. ایندپندنت فارسی (۲۰۲۴). پروفیسور تورج دریایی سردبیر دانشنامه ایرانیکا شد. www.independentpersian.com
 - ۲- ایران فردا (۲۰۰۸). ۱۲ تا ۱۹ اردیبهشت، هفته جهانی «ایرانیکا». www.radiofarda.com
 - ۳- تاریخ ماد به گزارش دانشنامه ایرانیکا - جلیلیان؛ ناشر: دانشگاه چمران اهواز؛ مترجم: شهرام جلیلیان، محمد حیدرزاده؛ نوبت چاپ: ۱؛ سال چاپ: ۱۳۹۶؛ قطع وزیری
 - ۴- دانشنامه ایرانیکا (۲۰۲۴). About Iranica. www.iranicaonline.org
 - ۵- دانشنامه ایرانیکا (۲۰۲۴). معرفی دانشنامه www.iranicaonline.org
 - ۶- فرهامه. دانشنامه ایرانیکا، نوروز www.farhameh.ir
- 7-Ehsan Yarshater in Conversation with Mandana Zandian, Jun 7, 2016 , p.167



● منبع تصویر: آراین اکبری www.app.telsi.co

مکری، حامد وحدتی نسب و آراین اکبری. دسته بندی محتوای آموزشی آن برای عموم مخاطبان شامل: مهارت‌های توسعه فردی، و بینارهای علمی تخصصی و مهارت‌های تجاری است. تلسی به اشکال مختلف چون تلسی بوک، تلسی کافه و تلسی دیسکاشن برنامه‌های خود را به مخاطبان ارائه می‌دهد

تلسی بوک (Telsi Book)

این برنامه به معرفی کتاب‌ها به شیوه‌ای مخاطب محور می‌پردازد. به طور مشخص با استفاده از اسلایدهای تهیه شده، کتاب‌ها به مخاطبان معرفی می‌شوند. یکی از کتاب‌های ارزشمندی که در تلسی بوک برای مخاطبان به صورت مصور ارائه شده، «عقلانیت»^۹ اثر «استیون آرتور

9-Rationality

تلسی تاک؛ آکادمی تحول فکری ایرانیان

گفتمان‌های خردورزانه

اندیشه‌ها به تنهایی اثربخش نخواهند بود تا زمانی که با گفتمان‌های خردورزانه همراه شوند. با این حال جریان‌های اندیشه‌ورزانه بدون حضور مردم عادی هرگز زمینی را بارور نخواهند کرد. در گوشه کتابخانه‌ای و یا در بهترین شرایط در یک مرکز پژوهشی بدون آگاهی عوام برای اندیشمندان محفوظ خواهد ماند. اگر بتوان بستری تحول خواهانه در هر زمینه‌ای فراهم کرد که اندیشمندان طراز اول در هر رشته از دانش، گرد هم آیند و عموم مردم نیز بتوانند شنوای آن گفتمان‌ها باشند، جریان خردورزی با قدرت و اثربخشی شگرفی به پیروی از آن ایجاد خواهد شد. این همان کاری است که پیشتر برنامه «تد»^۷ انجام داده است و مخاطبان جهانی دارد

تلسی تاک؛ تد ایرانی

تلسی تاک^۸ یا «آکادمی تحول فکری ایرانیان» محلی برای اندیشیدن و گسترش اندیشه‌ها و اشتراک‌گذاری آن با مخاطبان است. آنگونه که در تعریف خود این موسسه آمده است: «تلسی اولین برنامه علمی مستقل کشور است که جمعه آخر هر ماه با حضور اندیشمندان، متفکران و استادان برتر حوزه‌های مختلف علوم، برگزار می‌شود.» اعضای هیئت علمی این آکادمی عبارتند از اکبر سلطانی، آذرخش

۷- تد مخفف (Technology, Entertainment, Design) یک مجموعه همایش جهانی است که بوسیله بنیاد Sapling که سازمانی غیرانتفاعی خصوصی است، با شعار «ایده‌های شایسته گسترش»، برگزار می‌شود
۸- جهت کسب اطلاعات بیشتر بنگرید به:

www.telsi.co



پینکر^{۱۰} است. شیوه ارائه کتاب‌ها بر اساس درج نکات کلیدی، متمایز ساختن موضوعات مهم، تحلیل رخدادها، شخصیت‌ها، نقد منصفانه و به دور از پیشداوری، برای مخاطبان است. همین رویکرد باعث شده ضمن ایجاد فضای مبتنی بر تبادل اندیشه، به نوعی مخاطبان را از خواندن کتاب به صورت فردی بی‌نیاز کند.

یک پرسش بنیادین، دیدگاه و تجربه خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند و به تبادل دانش و اندیشه بپردازند. موضوعات علوم اجتماعی، روان‌شناسی، زیست‌شناسی و... بیشترین محفل‌های گفت‌وگو را به خود اختصاص می‌دهند. این برنامه به صورت گروهی و به دو صورت حضوری و غیرحضوری برگزار می‌شود

تلسی کافه (Telsi Cafe)

تلسی کافه جایی برای نشست‌های هم‌اندیشی علاقه‌مندان به اندیشه و خرد است تا با هم از هر دری سخن بگویند و عصاره جهان‌فکر و اندیشه خود را در موضوعاتی که در مورد آن بحث و گفت‌وگو می‌شود، به اشتراک بگذارند. موضوعات تلسی کافه متنوع هستند؛ از فلسفه و علم تا هنر و...

ویدیو کست لنزما

در این برنامه در زمینه توسعه فردی و تجارت به زبان ساده، گفتگو می‌کنند. گفت‌وگویی که شکل می‌گیرد فارغ از چهارچوب‌های محدودکننده است و در آن نوعی ساختارشکنی وجود دارد.

تلسی دیسکاشن (Telsi Discussion)

پرسش آغاز راه دانایی است. در این برنامه از برجسته‌ترین استادان و صاحب‌نظران در رشته‌های مختلف دعوت به عمل می‌آورد تا در مورد

دسترسی به برنامه‌ها

در تلسی تاک، فرصتی برای عبور از نابرابری‌های آموزشی برای همگان فراهم شده است. دسترسی به برنامه‌های تلسی تاک برای علاقه‌مندان رایگان است. برای سیستم عامل اندروید می‌توان برنامه تلسی را نصب کرد اما در سیستم‌های عامل IOS و Windows می‌توان از نسخه تحت وب اپلیکیشن استفاده کرد

10- Steven Arthur Pinker





● منبع تصویر: سیاوش صفاریان پور www.fa.wikipedia.org

برای پاسخ به پرسش‌های بنیادین بشر در مورد آسمان را هنوز مرتفع نکرده است. صفاریان پور ستاره‌شناسی حرفه‌ای نیست؛ با وجود این تلاش خستگی‌ناپذیر و مداومش برای ثبت رویدادهای نجومی مثل گذر زهره، آخرین کسوف قرن، اولین خسوف قرن و طولانی‌ترین کسوف و... با همراهی برادرش فؤاد، او را به یک برنامه‌ساز حرفه‌ای در این حوزه در ایران و جهان مبدل کرده است. ماحصل این همکاری‌ها، برنامه‌های «آسمان شب»، «تیک تاک»، «دایره»، «چرخ»، «کاروانسرا» و... بوده است. او طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸ به مستندسازی مهم‌ترین خورشید گرفتگی‌های جهان پرداخته که حاصل آن مستند تلویزیونی «جویندگان کسوف» است.

آسمان شب

یکی از قدیمی‌ترین و ماندگارترین برنامه‌های تلویزیونی ایران در سال‌های اخیر را می‌توان برنامه «آسمان شب» دانست. اطلاع‌رسانی اخبار، وقایع نجومی و خصوصاً بیان مفاهیم پیچیده ستاره‌شناسی به زبان ساده، رویکرد

آیا ما می‌خواهیم خود را درون یک
جزیره قرار دهیم و ادای این را در بیاوریم
که درون یک جزیره گیر افتاده‌ایم که
واقعا این طور نیست، چراکه پنجره‌های
جهان همچنان به روی ما باز است.
برگرفته از مصاحبه سیاوش صفاریان پور
با خبرآنلاین، آذر ۱۴۰۲

سیاوش صفاریان پور و جدال با ناآگاهی

شیفتگان آفتاب

جدال با ناآگاهی و ایجاد گفتمانی علم محور که مبتنی بر خردورزی و اندیشه‌های تحول خواهانه باشد، توان بسیاری می‌طلبد. برخی‌ها بدون آنکه داعیه جدال با ناآگاهی‌ها را داشته باشند، قدم‌های بزرگ و شگرفی بر می‌دارند و خرد را جایگزین نادانستگی و جهالت می‌کنند. مروجان خردی که دل به دریا می‌افکنند و نقشی جان‌بخش بر آسمان دانایی این مرزوبوم ترسیم می‌کنند.

سیاوش صفاریان پور، نگارگر نقش دانایی

سیاوش صفاریان پور با صبر و استمرار تحسین برانگیزش توانسته، همراهی و پسند مخاطبان خاص و عام را با خود همراه کند. صفاریان پور مجری تلویزیون، تهیه‌کننده، کارگردان و روزنامه نگار علمی، مؤسس جایزه چراغ و مستند مغز است اما این وجه امتیاز خاص او با دیگر همکاران هم‌سنخ‌اش نبوده، چرا که او بیش از هر چیز دیگری در جهان شیفته آسمان است. او یکی از اعضای مؤسس و عضو شورای مرکزی پروژه بین‌المللی «صلح ستارگان» است. پروژه که در ترویج علم و صلح می‌کوشد. ساخت برنامه‌های متعدد ستاره‌شناسی، عطش او



محیطی، اجتماعی، فرهنگی و گردشگری، شروع پخش می شد. این برنامه سعی کرد تا مفاهیم پیچیده علمی را با زبانی ساده و عامه پسند برای مخاطب بیان کند

راه دانایی ادامه دارد...

تعهد سیاوش صفاریان پور به ترویج دانایی لحظه ای از او جدا نبوده است. صفاریان پور در کنار فعالیت های مستمر خود در زمینه علم و به خصوص ستاره شناسی، برنامه های جدیدی نیز تهیه کرده است: «راه شیری» که در آن دوستداران برنامه آسمان شب را در اینترنت دور هم جمع کرد. صفاریان پور ساخت پادکست هایی چون «میرکت»، «ایستگاه فضایی»، «فلسفه علم»، «جهان شگفت انگیز مغز»، «خداحافظ آفریقا»، «متاورس»، «عصر حجر»، «هاگیر واگیر» و «رختکن بازنده ها» را نیز در کارنامه خود دارد. ساخت فیلم مستند علمی با موضوع مغز با عنوان «کاپیتان من» به تهیه کنندگی و روایت «بهرام رادان» و اکران آن در سال ۱۴۰۲، از دیگر آثار او محسوب می شود

ویژه این مجموعه تلویزیونی بوده است. طیف مخاطبان آسمان شب دامنه وسیعی از مخاطبان عام و خاص را در بر می گیرد که تاکنون در ۲۲ فصل به مخاطبان ارائه شده است.

چرخ

یک برنامه زنده تلویزیونی است که به موضوعات علمی می پردازد. نخستین قسمت از این مجموعه در مهر ماه ۱۳۹۴ پخش شد. این برنامه با هدف ترویج علم و اطلاع رسانی رویدادهای علمی جدید ساخته شده است. سری اول و دوم برنامه با همکاری برادر دوقلوی سیاوش، فؤاد ساخته شد

نسبت طلایی

نسبت طلایی یا ۱.۶۱۸ یک برنامه زنده تلویزیونی گفتگو محور بود که از مهر سال ۱۳۹۲ همزمان با بازگشایی مدارس تهیه و پخش شد. این برنامه با هدف ترویج تفکر علمی، آگاهی بخشیدن، انتقال تجربه ها به مخاطب، اطلاع رسانی و تحلیل اخبار رویدادهای علمی، فناوری، زیست

منابع

- ۱- «همشهری گفتگو با محمدفؤاد صفاریان پور که بهزودی با برنامه ای جدید سراغ مان می آید.
- ۲- «شبکه آموزش»: موتور جستجو www.tv7.ir بایگانی شده از اصلی در ۱۰ ژوئیه ۲۰۱۹.
- ۳- عصر ایران. «مجری و تهیه کننده با انتقاد از مدیریت سیما: تلویزیون مدتی است به کما رفته».
- ۴- خبرآنلاین. «قدم های کارساز برای تغییر جهان».
- ۵- ایسنا. «سیاوش صفاریان پور: توجه بیش از حد به همگانی کردن نجوم یکی از ضعف های فعالیت نجوم آماتوری است».
- ۶- شبکه ۲ بایگانی شده در ۱۷ ژانویه ۲۰۱۲ توسط Wayback Machine، تیک تاک، گفتگو بدون مجری
- ۷- تبیان، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی. «برنامه تلویزیونی راه شیری». سایت مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- ۸- تلویزیون دانش فضایی: آخرین شاتل بایگانی شده در ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۱ توسط Wayback Machine، در وبگاه دانش فضایی: ۲۹ تیر ۱۳۹۰
- ۹- بهرام رادان تهیه کننده مستند «کاپیتان من» شد/ سفر به مغز انسان». خبرگزاری مهر
- ۱۰- «سفر به مغز انسان با مستند کاپیتان من به روایت بهرام رادان». خبرگزاری موج.
- ۱۱- «ماجراجویی تازه بهرام رادان». خبرآنلاین. ۱۲-۰۷-۲۰۱۹.

حق داریم ایده‌های مان را درباره
کشوری که از آن ماست بیان کنیم،
به پایداری بقا و ارتقای آن بیندیشیم،
و زندگی بهتری مطالبه کنیم. مکلفیم
به فکر ایران باشیم و آن را آباد و آزاد
بخواییم. باید به قضاوت تاریخ درباره
خود بیندیشیم و کاری کنیم درخور
سرزمین و مردمان تمدنی تاریخی،
پیش از آن که ضعف عقلانیت ما را
عبرت تاریخ سازد.

«نقل از کانال تلگرامی دغدغه ایران»



● منبع تصویر: دکتر محمد فاضلی www.khabaronline.ir

دغدغه مندی نام آشنا

محمد فاضلی یک دغدغه مند است. فعال و کنشگر اجتماعی که برای ایران می اندیشد و قلم می زند. نام او برای بسیاری از دغدغه مندان توسعه ایران، آشناست. دانش‌آموخته جامعه‌شناسی است و استاد سابق دانشگاه شهید بهشتی. پیشتر نیز مشاور وزیر نیرو و رئیس سابق مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی و معاون پژوهشی مرکز بررسی‌های استراتژیک و مدیر شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ بوده است. پس از سال ۱۳۹۶ او یکی از نامزدهای تصدی مقام ریاست سازمان محیط‌زیست ایران نیز بوده است. در همین سال بود که وی به سمت مشاور برنامه‌ریزی راهبردی و توسعه پایدار وزیر نیرو منصوب شد و از اردیبهشت سال ۱۳۹۷ رئیس مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی شد. حادثه پلاسکو یکی از نقاط عطف

پادکست دغدغه ایران

ایران مادر ماست

بسیاری دغدغه رشد و توسعه ایران را در جان و دل می‌پروراندند. بی‌شمار کسانی هستند که قلم می‌زنند، اندیشه ورزی می‌کنند، گام برمی‌دارند، وارد گود کارآفرینی می‌شوند، سخنرانی می‌کنند، پادکست تهیه می‌کنند، ترانه می‌سرایند، برنامه‌های آموزشی تهیه می‌کنند، علم‌آموزی را سرلوحه فعالیت‌هایشان قرار می‌دهند، کنشگری می‌کنند، فعال مدنی هستند، در مجامع بین‌المللی و جهانی پرچم ایران را بالا می‌برند، قله‌های دانش را فتح و به نام ایران ثبت می‌کنند و... برای اینان، ایران مادر است. این‌ها همان کسانی هستند که دغدغه توسعه و آبادانی ایران را در سر می‌پروراندند.

دغدغه مندی اوست. در پی این حادثه فاضلی یکی از اعضای هیئت ویژه گزارش ملی بررسی حادثه ساختمان پلاسکو شد

کنشگری های تحول خواهانه

پژوهش های فاضلی بیشتر حول محور جامعه شناسی علم، جامعه شناسی شهری و جامعه شناسی سیاسی می چرخد. او در مقالات و سخنرانی های مختلف به نقد سیاستها در حوزه آموزش عالی، محیط زیست، حقوق شهروندی و توسعه می پردازد.

توسعه ایران

دغدغه ایران در واقع پاسخی به نگرانی های محمد فاضلی در مورد وضعیت ایران. قسمت اول این مجموعه پادکست در مورد «خلفیات ما ایرانیان» است. موضوعاتی که او در این پادکستها در گفتوگو با اندیشمندان مطرح کرده بیش از هر چیزی حول محور «توسعه» می چرخد. فاضلی تاکنون موفق شده ۱۲۲ قسمت از آن را رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد. او نوشته های خود را نیز در یک کانال تلگرامی و وبلاگی با نام «دغدغه ایران» منتشر می کند و پادکستی هم در کستباکس (cast-box) با همین نام دارد.^{۱۱}

منابع

۱- خبرآنلاین (۰۳ خرداد ۳۰۴۱). محمد فاضلی کیست؟ دلیل خشم و عصبانیت او چه بود؟». خبرآنلاین. دریافت شده در ۰۳ خرداد ۳۰۴۱

۲- تأسیس «مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی» در وزارت نیرو/ استفاده از ظرفیت علوم اجتماعی برای پایداری منابع آب و انرژی» پایگاه اطلاع رسانی وزارت نیرو. ۷ مه ۸۱۰۲

۳- روایت محمد فاضلی از نخستین مسئله در محیط زیست ایران www.mohammaddarvish.com

۴- بحران آب در خاورمیانه، عامل جنگهای داخلی آینده و فروپاشی کشورها». بایگانی شده از اصلی در ۱۱ نوامبر ۶۱۰۲. دریافت شده در ۸۲ اکتبر ۹۱۰۲

۵- کلانتری چگونه رئیس سازمان محیط زیست شد؟. خبرگزاری مهر www.mehrnews.com

۶- روایت محمد فاضلی از نخستین مسئله در محیط زیست ایران!، محمد درویش www.mohammaddarvish.com

۷- آیا محمد فاضلی در جعبه پاندورا را می گشاید؟، فرهنگ امروز www.farhangemrooz.com

۸- گزارش ملی پلاسکو را منتشر کنید. عصر پرس. ۳ بهمن ۵۹۳۱ www.asrpress.ir

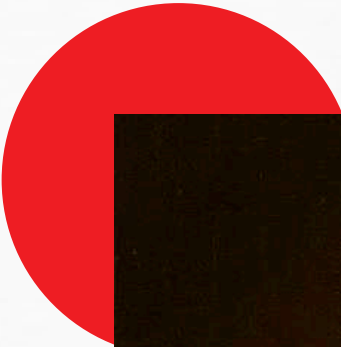
۹- هیئت ویژه گزارش ملی بررسی حادثه ساختمان پلاسکو» تشکیل شد. باشگاه خبرنگاران جوان. ۹ بهمن ۵۹۳۱ www.yjc.ir

۱۱- کانال تلگرامی دغدغه ایران

telegram.me/s/fazeli_mohammad

کانال دغدغه ایران در کست باکس

WWW.castbox.fm/channel/6325129?country=us



● منبع تصویر: www.en.wikipedia.org George Washington

|| ۹۹ درصد شکست‌ها از کسانی ناشی می‌شود که بهانه می‌آورند. ||

جرج واشنگتن

از پدران بنیانگذار ایالات متحده آمریکا



بانگ هشدار!

روزنه‌ای در چهار دیواری سنگی

نویسنده: علی صدوقی

پژوهشگر هنر

پیشرو گرامی

درود بر شما

گویا نامه پیشین من به دست شما رسید و آن را چاپ کردید. از آنکه آنچه به شما سپرده شده بود را به درستی نگاه داشته و نکته‌ای از آن نینداختید، از شما سپاسگزارم؛ از این رو بر آنم بار دیگر برایتان نامه‌ای بنگارم؛ دریغا که این بار با نکوهش همراه است. شاید سخنم «روزنه‌ای در چهار دیواری سنگی» شما گردد! پیشرو گرامی! درست است شما از نوشتار پیشین من نکته‌ای نزددید، ولی «زنگ طنز»؟! من نامه‌ای برای شما نوشتم و شما آن را در بخشی زیر نام «زنگ طنز» گنجاندید؟! «طنز» آن هم با آن «ت» و آن ریخت خنده‌آور که گویی بر سر یک شاه‌نهنگ، دودکش کشی سوار کرده‌اند؟! از آن گذشته مگر ما با هم از گذشته شوخی و یا کینه‌ای داریم که چنین نامی را برای بخش سخنان من برگزیدید؟ پاسخ همه این‌ها را می‌دانم! این همان خودستایی است که شهرنشینان در برخورد با ما آبادی نشینان دارند! همان‌گونه که پیشتر گفتم «چهار دیواری» شماست و من هیچ راهیابی در آن ندارم و شما در جایگاه بالادست هر ستمی که در نگر داشته باشید، خواهید توانست بر ما آبادی نشینان روا دارید! گفتنی است این نکته یادآور یادبودی از زمان آموزش در آموزشگاهی شد که چند سال پیش در آن به آموزگاری پرداختم: من هوشنگ زنگساز زنگنواز، سال‌ها پیش از شهری دیگر فراخوانده شدم تا در آموزشگاهی به فرزندان آن بوم آموزش زنگنوازی دهم.

و هنرجویان آنجا بسیار خوش رفتار و دریابنده بودند و نیک نهادی آنان بود که مرا بیشتر به کار آموزش دلگرم می کرد. تنها دشواره ای که ما با آن رو به رو بودیم نبود خودباوری آنان بود که با کمی گفت و گو آن [دشواره] هم از میان رفت. این دشواره از آن رو پدید آمده بود که آنان با «زنگ» و «زنگنوازی» نا آشنا بودند؛ پس تنها باید می دانستند که زنگنوازی با تمام پیچیدگی های رویه ای که چشم می بیند، کاری است مینوی، اگر با دست دل نواخته شود به آوا در خواهد آمد و گر با دست تن، خاموش خواهد ماند. از این رو من با سرپرست آن آموزشگاه گفت و گویی داشتم که برای کامیابی، ایشان سوبه روانی «دانش آموزان و هنرجویان» را نیز در نگر داشته باشند؛ دریغا که ایشان تنها بر تراز دانش آموزان و هنرجویان پافشاری داشتند و به من سفارش می کردند که تراز بالایی را به دانش آموز و هنرجویان واگذار کنم. همه این ها برای آوازه آموزشگاه بود تا دانش آموزان بیشتری - که آن سرپرست آنان را چون کیسه های زر می دید - به آن آموزشگاه بیایند! پیداست که «فرمایش» ایشان

همان گونه که پیش تر یاد شد در «زنگ آباد» آوای «زنگ» بسیار اسپند و ارجمند است. خاندان ما، «زنگساز زنگنواز»، از کهن ترین خانواده های این سرزمین اند که از دیرباز در کنار بنیاد نهادن این آبادی به زنگسازی و زنگنوازی می پرداخته اند. بزرگان خاندان، نام «هوشنگ» را از نیای بزرگم (پدر پدر پدرم) که دوهزار و چهارصد و نود و هفت سال دارد، بر من نهادند. نیک بختانه او هنوز هم به زنگسازی و زنگنوازی می پردازد و به بسیاری آموزش زنگسازی و زنگ نوازی می دهد. شوربختانه زنگنوازی در شهرهای دیگر آن چنان که باید و شاید فراگیر نیست و ارج نهاده نمی شود؛ از این رو آموزشگاهش در دیگر شهرها یافت نشده و مردم آن شهرها ناگزیرند از زنگ آباد، آموزگار زنگنوازی را فراخوانند تا به یادگیری این هنر زیبا پردازند. چند سال پیش که من برای این کار به یکی از این شهرها رفتم از سوی دانش آموزان و هنرجویان با پذیره خوبی رو به رو شدم، ولی افسوس که سرپرستان آن آموزشگاه بیشتر راه سودجویی و کژبهرگی را برگزیده بودند. از بخت نیک من دانش آموزان





هوشنگ» یا اگر نمی خواستید نامی از من ببرید، دست کم «زنگنامه» یا «زنگ نامه» بهتر از آن جانور بند انگشتی خنده آوری بود که شما در آب انداختید! اکنون هم می توانید به گردن «موبی دیک دودکش دار» خود افسار انداخته و در استخر چهاردیواری خود، خیزاب سواری کنید و به ریش ما آبدای نشینان بخندید

پیشرو از چه چنین خودکامه ای
کی توان بر تو نوشتن نامه ای

چاردیواری تو سنگی شده
مایه افسوس و دلتنگی شده

گوش کن بر این جَرَنگ زنگ من
بانگ هشدار است هر آهنگ من

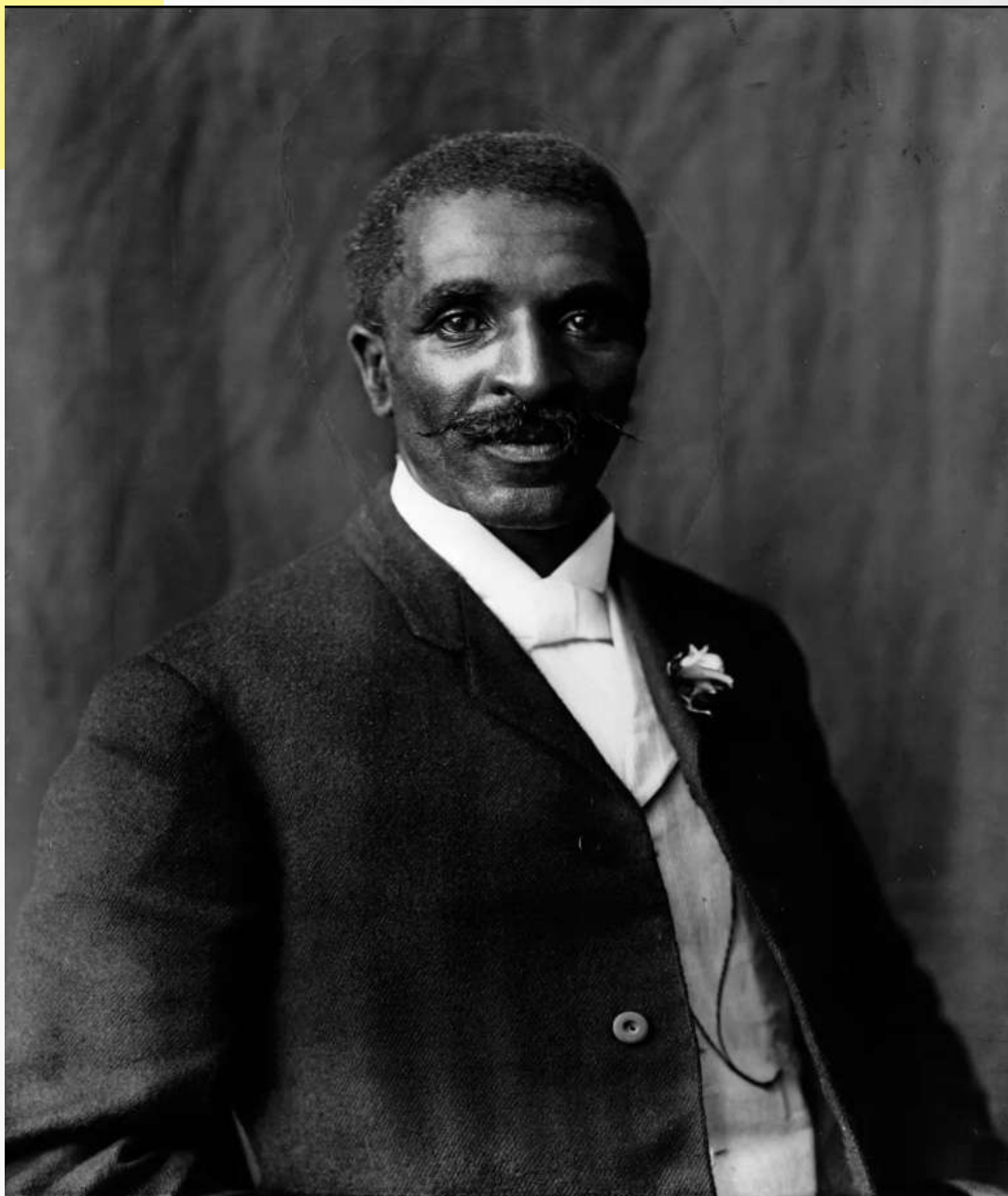
مردمان را پند و آموزش نکوست
شب چراغی بهر افروزش نکوست

پیشرفت از این گذر بایسته است
یادگیری شیوه ای شایسته است

این گذر بایست باشد رایگان
یا همه دارا شوند و پرتوان

گر همه بر کام آگاهی رسند
زان به فرهنگ دگرخواهی رسند

را نپذیرفته و کوشیدم ایشان را از گمراهی شان آگاه سازم، ولی ایشان گفتند: «ما که کاری نمی تونیم بکنیم، کلا سیستم معیوبه!»؛ گویا ایشان نمی دانستند که ما خود، همان دم، پاره های همان سامانه آسیب دیده بودیم که در آن کار می کردند! اگر در آن زمان پیمان ما درستکاری نبود، پس این خویشکاری از آن که بود؟! ما باید دگرگونی را از خویش آغاز می کردیم تا همه گیر شود! امروز همان «سامانه آسیب دیده» است که می بینیم از خانواده دانش آموزان، پرداخت ماهانه های هنگفت را درخواست می کند! امروز همان «سامانه آسیب دیده» است که مادرانی که توان پرداخت آن بهای هنگفت را ندارند وادار به رفت و روب آموزشگاه ها می کند و ارج مردمان را نگاه نمی دارد! مگر آموزش یکی از پیش نیازهای بنیادین پیشرفت نیست؟ آموزش درست و همگانی در استوار کردن پایه های پیشرفت چون: «پیشرفت مردم»، «افزایش، بهره وری و گوالش بازرگانی»، «کاهش تهیدستی و نداری»، «بالا برد برابری مردمی»، «پایداری زیستگاهی»، «استواری کشورداری و همبودی» و «بالا بردن بهداشت و تندرستی» دست دارد. آنگاه «سامانه آسیب دیده» با همکاری همین مردم که برای سودهای گذرا در آن کار می کنند، همه این ها را نادیده می گیرد و به پایداری آسیب ها یاری می رساند پیشرو گرامی با دلی سرشار از اندوه برای شما می نویسم: همان گونه که من نتوانستم به سرپرست آن آموزشگاه آموزه راستینه خود را آموزش داده و به دل و جان ایشان برسانم، تا **روزنه ای در چهاردیواری سنگی** ایشان شود، شما را هم نمی توانم وادار به پذیرش خواسته خود کنم؛ چه، «چهاردیواری دلبخواهی است!» و گرنه «زنگ هوشنگ» یا «نامه های



|| آموزش کلیدی است برای باز کردن در طلایی آزادی! ||

جرج واشنگتن کارور
دانشمند و مخترع آمریکایی

منبع تصویر:

George Washington Carver

www.britannica.com

کلیک کنید



LIBERTAS
School of Economic & Political Sciences

لیبرتاس، الهه آزادی نام دانشگاهی است خصوصی که برای ترویج دانش سیاست و اقتصاد، با تقید به اصول بنیادین لیبرالیسم در سال ۱۳۹۸ متولد شد. برگزاری جلسات شبیه‌سازی پارلمان، کارگاه‌های متنوع آموزشی، راه‌اندازی پویش‌های مختلف و مسابقات کتاب‌خوانی، راه‌اندازی شعب کافه انتلکتوئل در سراسر کشور و تاسیس شرکت کاسبان آزادی در راستای تأمین مالی برای موسسه از طریق ارائه خدماتی در راستای تحقق آزادی بیشتر برای شهروندان تنها بخش کوچکی از فعالیت‌های این مجموع بوده است



جهت ارتباط با فرزین رحیمی زنوز موسس مدرسه لیبرتاس:

در تلگرام

[@LibertasFarzin](https://t.me/LibertasFarzin)

در اینستاگرام

[@farzinrahimizonouzz](https://www.instagram.com/farzinrahimizonouzz)

در این کلاس، شما با روش‌های عملی و استراتژی‌های کارآمد مذاکره آشنا خواهید شد. ما به بررسی نمونه‌های واقعی از مذاکرات موفق در دنیای استارت‌آپ‌ها خواهیم پرداخت و نکات کلیدی را که می‌تواند به شما کمک کند تا در موقعیت‌های مختلف بهترین نتیجه را کسب کنید، تحلیل خواهیم کرد. همچنین، با تمرین‌های گروهی و شبیه‌سازی‌های واقعی، فرصت خواهید داشت تا مهارت‌های خود را در یک محیط امن و حمایتی تقویت کنید

با شرکت در این کلاس از FBS، شما نه تنها به یک مذاکره‌کننده ماهر تبدیل خواهید شد، بلکه اعتماد به نفس لازم برای مواجهه با چالش‌های دنیای کسب و کار را نیز پیدا خواهید کرد. اگر به دنبال رشد و موفقیت استارت‌آپ خود هستید، این کلاس فرصتی بی‌نظیر برای یادگیری و توسعه مهارت‌های کلیدی است. هم‌اکنون ثبت‌نام کنید و گام‌های اولیه را به سوی موفقیت بردارید

SPECIAL CLASS IN FBS

NEGOTIATION FOR STARTUPS

WHEN?

7/10/1403

9:00 AM- 10:30 AM

REGISTER NOW



HOST



FUTURE
BUSINESS
SCHOOL
ONLINE



LECTURER

Dr. Amirhosein Mazaheri
Real Estate and Coffee Businessman

Iman Khani Jazani
AI Entrepreneur and Angel Investor

FutureFounders.github.io

فصلنامه پیشرو

به توسعه ایران می اندیشد

پیشرو از گفتگو با شهروندان دغدغه مند استقبال می کند. از این رو می توانید هرگونه سوال، ابهام، انتقاد یا پیشنهادی را از طرق زیر با ما در میان بگذارید.



pishromagazine@gmail.com



۰۹۱۱۳۳۹۲۷۸۵



رشت، گلزار، بلوار نماز، شهرک گل ها، بلکو ۳۸، واحد ۲



www.pishromagazine.com